



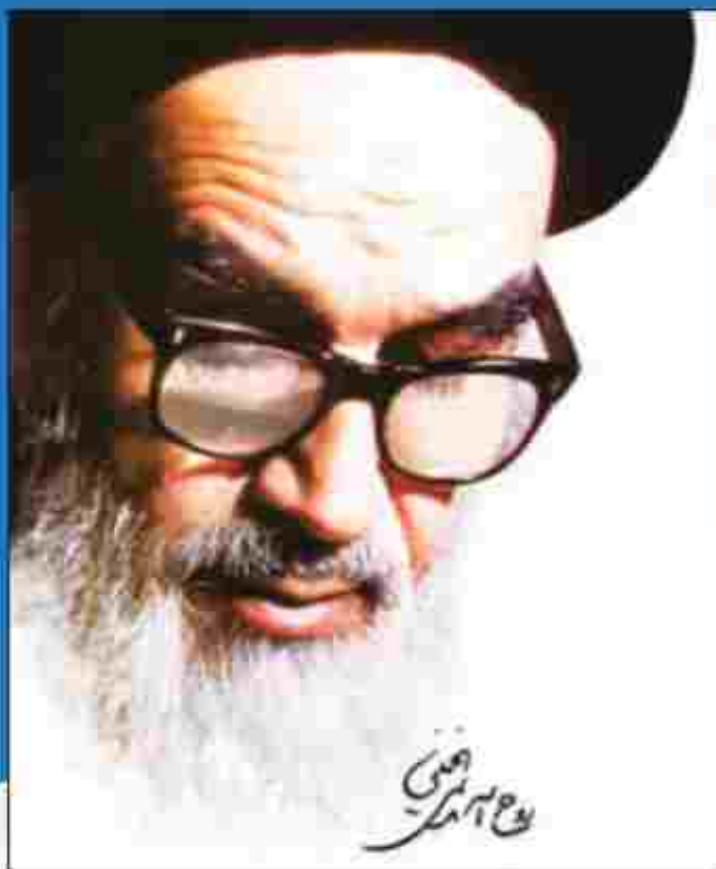
المركز الإسلامي للإمارات

عربي، زبان قرآن

پایه هفتم

دوره اول متوسطه





لغت عربی از عاست، لغت عربی لغت اسلام است۔

صحیفہ امام جمعی القلمی مرکز، جلد ۱۱ صفحہ ۲۲۷

٦	(قبفه العلم و نور الكلام و كنز الكنوز)	الدرس الأول
٢٩	(جواهر الكلام و كنوز الحكم و كنز النصيحة و الحكم النافعة و المواعظ العديدة)	الدرس الثاني
٥٩	(جواز بين و تقدين)	الدرس الثالث
٦٩	(في الشوق)	الدرس الرابع
٧٧	(الجملة الذهبية)	الدرس الخامس
٨٥	(في الحدود)	الدرس السادس
٩٣	(الأمره اللاجحه)	الدرس السابع
١٠١	(زينة الباطن)	الدرس الثامن
١٠٩	(الإخلاص في العمل)	الدرس التاسع
١١٥	(الآيات و الفصول و الألوان)	الدرس العاشر



سخنی با دبیران، مدیران، گروه‌های آموزشی و اولیای دانش‌آموزان



برای تدریس این کتاب باید دوره آموزشی ضمن خدمت را گذرانده باشید؛ اگر به هر دلیل موفق به گذراندن این دوره نشده‌اید؛ لازم است کتاب راهنمای معلم را تهیه کنید. فایل پی‌دی‌اف راهنمای معلم در وبگاه گروه عربی قرار دارد.

خدای را سپاس که به ما توفیق داد تا با نگارش این کتاب به نوجوانان کشور عزیزمان، خدمتی فرهنگی کرده باشیم.

این کتاب نخستین کتاب عربی از مجموعه کتاب‌های دوره اول متوسطه می‌باشد که تدوین آن بر اساس تغییر نظام آموزشی صورت گرفته است.

رویکرد راهنمای برنامه درسی عربی «پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی» است. شیوه کتاب، متن محوری است. انتظار می‌رود دانش‌آموز بتواند در پایان نیمسال اول تحصیلی، برخی عبارات و در پایان نیمسال دوم، متون ساده عربی را درست بخواند و معنای آنها را بفهمد. در این کتاب حدود ۴۰۰ کلمه به کار رفته است که در پایه‌های بعدی تکرار می‌شوند.

روخوانی در کتاب‌های جدید، اهمیت ویژه‌ای دارد. دانش‌آموز باید بتواند درست بخواند و بفهمد تا درست ترجمه کند.

این کتاب در ده درس تنظیم شده است.

درس اول تا پایان درس سوم برای تدریس در نوبت اول است.

درس اول سه بخش دارد. در این درس، جملات حکیمانه ساده و در عین حال، پر ارزش آمده است. همچنین عبارتهایی درباره «اسم اشاره به مفرد، مثنی و جمع» آمده که در آن مثنی و انواع جمع (سالم و مکسر) نیز تدریس شده است. این درس برای تدریس در سه جمله است.

درس دوم، پنج بخش دارد. در زمینه جملات حکیمانه در این درس نیز، مانند درس اول عمل شده است. حروف و اسماء استفهام «هل، من و ما» آموزش داده می‌شود. در کنار «من»، «لین» و در کنار «ما»، «ماذا» نیز قرار می‌گیرد.

آغاز هر بخش، مرزب به سخنان حکیمانه است. در بخش‌های چهارم و پنجم، دو کلمه پرشی «این»

و «گم» تدریس شده است. در کنار «گم» عده‌های اصلی یک تا دوازده آموزش داده می‌شود. اما تطابق عدد و معدود آموزش داده نمی‌شود و عده‌ها در حالت عمومی (مذکر) تدریس می‌شود. **این درس برای تدریس در پنج جلسه است.**

درس سوم: از آنجا که دانش‌آموز در درس‌های اول و دوم با کلمات بسیاری آشنا شده است، اکنون وقت آن است که متن مکالمه قدری طولانی‌تر شود. در این درس، دوره‌ای بر ضمائر خوانده شده، صورت می‌گیرد. **این درس برای تدریس در دو جلسه است.** بخش «نظرة إلى الدرس الثالث» نیز در یک جلسه تدریس می‌شود. مطالب این بخش جدید نیست. دانش‌آموز در این جا ضمیری را که به صورت پراکنده دیده است، یکجا می‌بیند.

درس چهارم: درس یا مکالمه‌ای در «سوق التجف الكبير» آغاز می‌شود. فعل ماضی اول و دوم شخص مفرد در متن و تمرینات درس آموزش داده می‌شود. هدف این نیست که صرفاً دانش‌آموز بتواند فعل ماضی بسازد؛ بلکه هدف این است که بتواند درست بخواند و درست ترجمه کند.

درس پنجم: متن درس، گفت‌وگویی کوتاه میان مادر و پسر همراه جملات حکیمانه است. ساختار درس نیز فعل ماضی سوم شخص مفرد است. همانند درس چهارم در این درس و دروس بعد، ساخت فعل ماضی، صرف کردن، تبدیل فعلی از مفرد به جمع یا حالات دیگر تبدیل کردن از اهداف آموزشی نیست.

درس ششم: متن درس گفت‌وگویی تلفیقی میان مادر بزرگ و نوه‌اش است. فعل ماضی اول شخص جمع، به‌عنوان ساختاری جدید در متن درس و در تمرینات گنجانده شده است. همچنین ماضی عنفی نیز در این درس آموزش داده می‌شود.

درس هفتم: متن درس درباره‌ی یک خانواده‌ی روستایی موفق است. فعل ماضی دوم شخص جمع، ساختار درس هفتم است.

درس هشتم: اکنون دانش‌آموز به اندازه‌ی کافی با کلمه و ساختار زبان عربی آشنا شده است، وقت آن است که با خواندن یک داستان، در این درس و داستان دیگری در درس بعدی، آموخته‌هایش را بیازماید. پیام اخلاقی داستان، درس زندگی برای دانش‌آموز است. در این درس، فعل ماضی سوم شخص جمع، آموزش داده می‌شود و طی پنج درس (از درس چهارم تا پایان درس هشتم) کل ساختار ضمیر و فعل ماضی، آموزش داده شده است. همان‌گونه که یادآوری شد، هدف این کتاب این نیست که دانش‌آموز، فعل ماضی بسازد؛ بلکه هدف این است که فعل ماضی یا هر کلمه‌ی دیگری را درون جمله و با کمک قرائن ترجمه کند؛ مثلاً، دانستن ترجمه «شربوا» بیرون از جمله سخت است؛ اما ترجمه آن در جمله «هؤلاء الأولاد شربوا ماءً بارداً» به کمک اجزای دیگر جمله، آسان و لذت‌بخش است و هدف در آموزش و ارزشیابی این است که دانش‌آموز از کتاب لذت ببرد.

درس نهم: داستان «اخلاص در کار» زینت بخش این درس شده است. اکنون دانش‌آموز می‌تواند متون کوتاه و ساده بخواند. در این درس، هیچ ساختار جدیدی آموزش داده نمی‌شود؛ تنها چند کلمه جدید می‌آموزد.

درس دهم، در این درس، مانند درس نهم، هیچ ساختار جدیدی آموزش داده نمی‌شود. درس دهم، آموزش نام روزهای هفته، محصل‌ها و رنگ‌ها است.

در درس نهم و دهم به‌وسیلهٔ چند تمرین، آموخته‌های قبلی دوره می‌شود. هر یک از درس‌های چهارم تا هشتم، در دو جلسه تدریس می‌شود. درس نهم و دهم هر کدام در یک جلسه تدریس می‌شوند.

مهم‌ترین توصیه‌ها دربارهٔ شیوهٔ تدریس و ارزشیابی این کتاب:

1 آنچه باید سراوجهٔ کار معلم قرار گیرد این است که دانش‌آموز در آغاز راه یادگیری زبان عربی می‌باشد. لازم است به مطالبی که در کتاب آمده است بسنده کند و مطلب اضافی به او آموزش ندهد؛ زیرا آنچه را او باید بیاموزد به تدریج و طی سال‌های آینده فرا خواهد گرفت.

2 کار عملی در این کتاب تهیهٔ انواع کاربردی نیست؛ بلکه کارهایی مانند مکالمه، نمایش، سرود، ترجمهٔ تصویری و داستان‌نویسی است. یعنی دانش‌آموز باید آموخته‌هایش را در قالب سخن گفتن یا نوشتن ارائه کند.

3 از طرح سؤالاتی در زمینهٔ «ترجمهٔ فارسی به عربی» خودداری شود؛ زیرا از اهداف کتاب نیست. دانش‌آموز باید بتواند جملهٔ عربی را بخواند و ترجمه کند و البته قدرت تشخیص نیز داشته باشد. در کتاب از لو «ساختن جملهٔ عربی» خواسته نمی‌شود (در بخش مکالمه، یعنی پاسخگویی به کلمات پرسشی این استثنا وجود دارد؛ زیرا در مکالمه باید بتواند پاسخ کوتاه دهد که انتظار در حدّ یک یا نهایتاً دو کلمه است و در این بخش، نظر به لزوم سرعت عمل در پاسخگویی، رعایت دقیق ظرافت‌های دستوری مد نظر نیست).

4 رونویسی بخش‌های کتاب در هیچ‌یک از سه کتاب عربی دورهٔ اول متوسطه لازم نیست.

5 در بسیاری از جاهای کتاب، جای کافی برای نوشتن ترجمه و حل تمرین نهاده شده، لذا نیازی به دفتر تمرین نیست. هر چند استفاده از کتاب کار در آموزش عربی مناسب است؛ لذا تجربه نشان داده است که اغلب کتاب‌های کار، نه تنها موجب تسهیل آموزش نمی‌شوند؛ بلکه مسیر آموزش را منحرف می‌کنند. لذا دفتر تألیف استفاده از کتاب کار را توصیه نمی‌کند.

در پایان، برای همهٔ همکاران آرزوی موفقیت داریم. اگر تمایل دارید از نظریات شما آگاه شویم، می‌توانید از طریق وبگاه گروه عربی پیغام بگذارید.

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ؛
أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ فِي الصَّفِّ السَّابِعِ؛
كَيْفَ حَالُكُمْ؟





الدَّرْسُ الْأَوَّلُ (اسم اشاره + مفرد، مثنى و جمع)



هَذَا جَبَلٌ جَمِيلٌ. هَذِهِ صُورَةٌ جَمِيلَةٌ.



الدَّرْسُ الْأَوَّلُ (بخش اول)

المُعْجَم: واژه‌نامه (۲۳ کلمه)

ارزش، قیمت	قِيَمَةٌ	دختر «جمع: بنات»	بِنْتٌ
مانند	كَيْ	آن «مؤنث»	تِلْكَ
مانند درخت	كَالشَّجَرِ	کوه	جَبَلٌ
بزرگ «جمع: کبار»	كَبِيرٌ	زیبا	جَمِيلٌ
تابو	لَوْحَةٌ	آن «مذکر»	ذَلِكَ
هم نشینی	مُجَالَسَةٌ	مرد «جمع: رجال»	رَجُلٌ
هم نشینی با دانشمندان	مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ	درخت «جمع: أشجار»	شَجَرٌ
زن	السَّعْرَاءُ (مُفْرَاةٌ)	کلاس «جمع: مُفوف»	صَفٌّ
عوفق، بیروز	نَاجِحٌ	عکس	صُورَةٌ
غراموشی	نِشْيَانٌ	دانش آموز، دانشجو	طَالِبٌ
پسر، نوزاد	وَلَدٌ	«جمع: طُلَّابٌ»	
«جمع: اولاد»		واجب دینی	فَرِيضَةٌ
این «مذکر»	هَذَا	در، داخل	فِي
این «مؤنث»	هَذِهِ		

فِيْمَةُ الْعِلْمِ

١. الْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ.

٢. حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ.

٣. مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ.

٤. ظَلَمَ الْعِلْمَ قَرِيضَةٌ.

٥. آفَةُ الْعِلْمِ النِّيَانُ.

هَذَا هَذِهِ ذَلِكَ تِلْكَ



هَذِهِ الْمَرْأَةُ، طَبِيبَةٌ.
هَذِهِ الطَّبِيبَةُ، نَاجِحَةٌ.



هَذَا الرَّجُلُ، طَبِيبٌ.
هَذَا الطَّبِيبُ، نَاجِحٌ.

١. هر پنج حدیث از رسولی الله ﷺ است.



تلك المرأة، شاعرة.
تلك الشاعرة، بروين.



ذلك الرجل، شاعر.
ذلك الشاعر، سعدي.



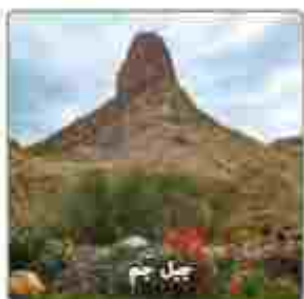
هذه الشجرة، عجيبة.



هذا الصف، كبير.



تلك اللوحة، جميلة.



ذلك الجبل، مرتفع.

۱. هر اسمی در عربی، یا **مذکر** است، یا **مؤنث**.
۲. علامت اصلی اسم مؤنث «**ة، ة، ة**» است؛ مانند: **طالِبَة** و **شاعِرة**.
لِما مَذْكَرٌ نِشانه ندارد؛ مانند: **طالِب**.



هَذَا طالِبٌ.



هَذِهِ طالِبَةٌ.

۳. «**هَذَا**» و «**ذَلِكَ**» اسم اشاره برای مذکر و «**هَذِهِ**» و «**تِلْكَ**» اسم اشاره برای مؤنث‌اند.
۴. اسم‌هایی مثل **جَزِيْرَة** و **لَوْحَة** چون علامت «**ة**» دارند؛ مؤنث به شمار می‌آیند.
۵. اسم‌هایی مانند **جِل** و **صَف** نیز مذکر به شمار می‌آیند.

برای مطالعه آزاد در منزل (حروف شمسی و قمری)

۱. اسم‌های حروف الفبا در عربی:
الف (همزه) - باء - تاء - ثاء - جیم - حاء - خاء - دال - ذال - راء - زای - سین - شین -
صاد - ضاد - طاء - ظاء - عین - غین - فاء - قاف - کاف - لام - میم - نون - هاء - واو - یاء
۲. حروف «گ، چ، پ، ژ» در عربی نوشتاری وجود ندارد؛ اما در عربی گفتاری گاهی تلقظ می‌شوند.

۱. برای بیشتر در هیچ ازمنه و سابقه‌های سؤال طرح می‌شود.

۳. به تلفظ «القَمَر» دقت کنید. لام ال در «القَمَر» خوانده می‌شود؛ اکنون به «السُّمَس» دقت کنید؛ تلفظ لام ال در آن سخت است؛ بنابراین خوانده نمی‌شود. چهارده حرف (خوف حق ک جی ب ا غ ع ه) را حروف قمری می‌نامند. در تلفظ کلمات دارای ال که با حرف قمری شروع می‌شوند، سختی تلفظ وجود ندارد و لام به راحتی تلفظ می‌شود؛ مانند: الوَلد، العِلْم و المَدْرَسَة. چهارده حرف مانده (ش ن ل ز ر د س ت ط ذ ض ظ ث ص) را نیز حروف شمسی می‌نامند. در تلفظ کلمات دارای ال که با حرف شمسی شروع می‌شوند، لام خوانده نمی‌شود و حرف شمسی، علامت تشدید می‌گیرد؛ مثال: السُّجْر، النَّاجِح و الرَّجُل که أَشْجَر، اَنَّاجِح و أَرَّجُل خوانده می‌شوند.

آزمایش

۱. التَّمْرِينُ الأوَّل:

این جمله‌ها را به فارسی ترجمه کنید؛ سپس زیر اسم‌های اشاره خط بکشید.

۱. ذَٰلِكَ الطَّالِبُ النَّاجِحُ، فِي الصَّفِّ الأوَّلِ.

۲. هَذِهِ الطَّالِبَةُ النَّاجِحَةُ، فِي الصَّفِّ الأوَّلِ.

۳. هَذَا الوَلَدُ، فِي هَذِهِ المَدْرَسَةِ.

٤. هَذِهِ الْبِنْتُ، فِي تِلْكَ الْمَدْرَسَةِ.

٥. تَمَرُ هَذِهِ الشَّجَرَةِ الْكَبِيرَةِ، لَذِيذٌ.

٣ التَّصْوِيرُ الثَّانِي:

از کلمات داده شده، نام هر تصویر را بیاورد.

جَبَلٌ - شَجَرَةٌ - وَكَلْدٌ - بِنْتُ - صَفٌّ - قُرَيْضَةٌ



تِلْكَ مَرْتَفَعَةٌ.



هَذِهِ نَاجِحَةٌ.



هَذَا جَمِيلٌ.



ذَلِكَ كَبِيرٌ.

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ (بخش دوم)

المُعْجَم: واژه‌نامه (۲۲ کلمه)

ایمان	إِيمَانٌ	ایمان، مرد	بِتَجَرَةٍ «جمع: تَجَرِبَاتٌ»
خُشْبٌ	خُشْبٌ	چوب «جمع: أَشْجَابٌ»	بِهَيْبَةٍ «جمع: هَيْبَاتٌ»
خَيْرٌ مِنْ	خَيْرٌ مِنْ	بهتر، بهترین، خوی	بِهَيْبَةٍ «جمع: هَيْبَاتٌ»
ذَهْرٌ	ذَهْرٌ	روزگار	بِهَيْبَةٍ «جمع: هَيْبَاتٌ»
ذَهَبٌ	ذَهَبٌ	طلا	بِهَيْبَةٍ «جمع: هَيْبَاتٌ»
عَنِ	عَنِ	بر، روی	بِهَيْبَةٍ «جمع: هَيْبَاتٌ»
عَلَيْكَ	عَلَيْكَ	بر تو، به (بان تو)	بِهَيْبَةٍ «جمع: هَيْبَاتٌ»
فَخْرٌ	فَخْرٌ	افتخار	بِهَيْبَةٍ «جمع: هَيْبَاتٌ»
كُرْسِيٌّ	كُرْسِيٌّ	صندلی «جمع: كُرْسِيٌّ»	بِهَيْبَةٍ «جمع: هَيْبَاتٌ»
كَلَامٌ	كَلَامٌ	سخن	بِهَيْبَةٍ «جمع: هَيْبَاتٌ»
لَكَ	لَكَ	تو، برایت، به سود تو	بِهَيْبَةٍ «جمع: هَيْبَاتٌ»

نور الكلام

١. يُعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ، الصُّحْحَةُ وَالْأَمَانُ. رسول الله ﷺ

٢. رَضَا اللهُ فِي رَضَا الوَالِدَيْنِ، رسول الله ﷺ

٣. أَدَبُ النَّوْرِ، خَيْرٌ مِنْ دَهَبِهِ، رسول الله ﷺ

٤. أَلَدَّخْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ، الإمام علي عليه السلام

هاتان

هذان



هَاتَانِ بِنْتَانِ،

هَاتَانِ الْبِنْتَانِ، تَطِيفَتَانِ،
هُمَا سَعِيدَةٌ وَ حَمِيدَةٌ،



هَذَانِ وَاكْدَانِ،

هَذَانِ الْوَالِدَانِ، تَطِيفَانِ،
هُمَا سَعِيدٌ وَ حَمِيدٌ،



هاتان وُردتان.

هاتان الوُردتان، جمیلتان.



هذان کُرسیان.

هذان الُکُرسیان، حُسیبان.

۱. اسم مثنی دو علامت دارد: «ان» و «ین»: مانند:

طالِبَانِ، طالِبَیْنِ، طالِبَتَانِ و طالِبَتَیْنِ

۲. «هذان» اسم اشاره برای مثنای مذکر و «هاتان» اسم اشاره برای مثنای مؤنث هستند.

یک تکلمه

نام این علامت‌ها را به خاطر بسپارید.

فَتْحَه - کَسْرَه - ضَمَّه - سَکُونٌ - تَنْوِینٌ

١ التفریق الأول:

با کلمات داده شده، جاهای خالی را پر کنید؛ سپس جمله‌ها را ترجمه کنید.

(وَلَدٌ - وَلَدَانِ - بِنْتٌ - بِنْتَانِ)



هاتان، _____ مُخَجَّبَتَانِ.
هُمَا فَرِيدَةٌ وَ حَمِيدَةٌ.



هذه، _____ مُخَجَّبَةٌ.
هِيَ سَعِيدَةٌ.



هذا، _____ مُؤَدَّبٌ.
هُوَ سَعِيدٌ.



هذان، _____ مُؤَدَّبَانِ.
هُمَا فَرِيدٌ وَ حَمِيدٌ.

٢ التَّمْرِينُ الثَّانِي:

در جای خالی گزینۀ مناسب به کار ببرد.

١. هاتانِ _____، مَسْرُورَتانِ. الرِّجُلُ المَرأتانِ
٢. _____ الجزيرَةُ، مَجْهُولَةٌ. ذَلِكَ تِلْكَ
٣. هُذَانِ _____، مُرْتَفَعانِ. الجَبَلانِ الوَرْدَةُ
٤. _____ النافِذَةُ، حَسْبِيَّةٌ. هَذَا هَذِهِ
٥. ذَلِكَ _____، نَظِيفٌ. الطَّالِبَةُ الطَّالِبِ
٦. هَذِهِ _____، كَبِيرَةٌ. المَدْرَسَةُ المَسْجِدانِ

٣ التَّمْرِينُ الثَّالِثُ:

ترجمه کنید.

١. قِيَمَةُ الْإِنْسَانِ، بِالْعِلْمِ وَ الْإِيْمَانِ.

٢. لِهَذَا الصَّفِّ، نَافِذَتانِ جَمِيلَتانِ.

٣. الْوَالِدُ الصَّالِحُ، فَخْرٌ لِلْوَالِدَيْنِ.

٤. كَلَامُ الْوَالِدَيْنِ مِنَ الدَّهَبِ.

٥. هاتانِ الشَّجَرَتانِ، بِلَا ثَمَرٍ.

٦. هُذَانِ الصَّفَّانِ، كَبيرانِ.

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ (بخش سوم)

المُعْجَم: واژه‌نامه (۲۴ کلمه)

أحياء	زندگان «مفرد: حَيٌّ»	فائِز	برنده
أنتم	شما «جمع مذکر»	فَتَاح	کشاورز
أوسط اوسطها	میانه‌ترین میانه‌ترین آن	كُتِر	کنج «جمع: کُنُوز»
أولئك	آنان، آن	لَاعِب	بازیکن
جالس	نشسته	مِفْتَاح	کلید «جمع: مِفَاتِيح»
حجر	سنگ «جمع: أَحْجار»	مَكْتَبَة	کتابخانه
حديثه	باغ «جمع: حَدَائِق»	مَوْت	مرگ
شعير	هفتاد	نَحْر	عا
سنة	سال «جمع: سَنَوَات»	واقف	ایستاده
صدافه	دوستی	جا اوسطها	بخش - او - یا آن میانه‌ترین آن
صغير	چردسال، کوچکی	هؤلاء	ایشان، این‌ها، این
عداوة	دشمنی کردن	هم	ایشان، آنان «جمع مذکر»
عند	نزد، کنار	هَلْ	ایشان، آنان «جمع مؤنث»

كُنْزُ الْكُنُوزِ

١. تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً. رواه الله ﷻ

٢. غَدَاةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ ضِدَائَةِ الْجَاهِلِ. الرواه علي ﷻ

٣. أَلْعَلُّ فِي الشَّعْرِ كَالنَّقِيشِ فِي الْحَجَرِ. الرواه علي ﷻ

٤. خَيْرُ الْأَسْرِ أَوْسَطُهَا. الرواه علي ﷻ

٥. الْجَهْلُ مَوْتُ الْأَحْيَاءِ. حكمة

أَوْلِيكَ

مَوْلَاهُ



أَوْلِيكَ، مُجَاهِدَاتٌ.
أَوْلِيكَ الْمُجَاهِدَاتُ، صَابِرَاتٌ.
هُنَّ نَاجِحَاتٌ.



أَوْلِيكَ، مُجَاهِدُونَ.
أَوْلِيكَ الْمُجَاهِدُونَ، صَابِرُونَ.
هُم نَاجِحُونَ.



هُؤْلَاءِ: إِيْرَانِيَّاتٍ.
هَذِهِ، صَوْرَةُ اللَّاعِبَاتِ الْإِيْرَانِيَّاتِ.
هُؤْلَاءِ اللَّاعِبَاتِ، فَائِزَاتٌ.



هُؤْلَاءِ، إِيْرَانِيَّوْنَ.
هَذِهِ، صَوْرَةُ اللَّاعِبِيْنَ الْإِيْرَانِيَّيْنَ.
هُؤْلَاءِ اللَّاعِبُوْنَ، فَائِزُوْنَ.

۱. «هُؤْلَاءِ» و «أُولَئِكَ» در اشاره به جمع مذکر و مؤنث مشترک هستند.
۲. اسم مذکر با «وَنَ» یا «يَنَ» جمع بسته و «جَمْعِ مَذْكَرٍ سَالِمٍ» نامیده می‌شود؛
مثال: مُعَلِّمُوْنَ، مُعَلِّمِيْنَ
۳. اسم مؤنث با «ات» جمع بسته و «جَمْعِ مَوْثَثٍ سَالِمٍ» نامیده می‌شود؛ مثال:
مُعَلِّمَاتٍ
۴. جمع برخی اسم‌ها، «مُعْكَثَرٌ» یعنی شکسته است.
در این جمع، شکل مفرد کلمه تغییر می‌کند؛ مثال:
حَدِيقَةٌ: حَدَائِقُ مِفْتَاحٌ: مِفْتَاحِيحُ طِفْلٌ: أَطْفَالٌ عَيْرَةٌ: عَيْرٌ

التمارين

١ التمرين الأول:

ترجمه كنيد، سپس «جمع های سالم و مكسر» و نیز «مثلن» را معلوم كنيد.

١. هؤلاء الطلاب، فازون في مسابقتين: مسابقة الحفظ و مسابقة القراءة.

٢. هؤلاء الطالبات، ناجحات في مسابقة حفظ القرآن.

٣. في كتب القصص، عبر للأطفال و الكبار.

٤. أولئك الرجال، جالسون على الكراسي.

٢ التمرين الثاني:

از كلمات زیر، در جای خالی کلمه مناسب بنویسید: سپس جمله ها را ترجمه كنيد.

(دو کلمه اضافه است.) لایحه - مکتبه - نافذه - کرسی - گنجر - وردة



هَذَا ————— دَهَبِيٌّ.



هَذِهِ ————— كَبِيرَةٌ.



هَذِهِ _____ جَمِيلَةٌ.



هَذِهِ _____ نَاجِحَةٌ.

٣ التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ:

در جای خالی گزینه مناسب بنویسید.

- | | | |
|-------------------------------------|-------------------------------|-------------------------------|
| ١. هاتان البنتان _____ في المسابقة. | <input type="radio"/> فائزان | <input type="radio"/> فائزتان |
| ٢. تلك المرأة _____ على الكرسي. | <input type="radio"/> جالسة | <input type="radio"/> جالس |
| ٣. زهراء و زينب و فاطمة: _____. | <input type="radio"/> واقف | <input type="radio"/> واقفات |
| ٤. عباس و هاشم و ميثم: _____. | <input type="radio"/> مسرورون | <input type="radio"/> مسروران |
| ٥. أولئك الأولاد: _____ ممتازون. | <input type="radio"/> لاعبون | <input type="radio"/> لاعبات |
| ٦. نحن: _____ المدرسة. | <input type="radio"/> طالبه | <input type="radio"/> طالبات |
| ٧. أنتم: _____ ناجحون. | <input type="radio"/> فلاحون | <input type="radio"/> فلاحات |

نظرة إلى الدرس الأول

نگاهی به درس اول - اسم مفرد، مثنی و جمع

مثال	نشانه	عدد و جنس
حافظ	ندارد	
حافظه	ة	
حافظان و حافظین حافظتان و حافظتین	ان و ین	 
حافظون، حافظین	ون و ین	
حافظات	ات	
حُفَاط	ندارد	

اسم اشاره

آن	ذَلِكَ		اِيْتَهُ	هَذَا	
	تِلْكَ			هَذِهِ	
				هَذَانِ	
أُولَئِكَ	أَنَّهَا		إِنَّهَا	هَاتَانِ	
				هَؤُلَاءِ	





الدَّرْسُ الثَّانِي (كلمه‌های پرستی: هَلْ؟ أَمْ مَنْ؟ هَلَا؟ أَيْنَ؟ كَمْ؟)

- هَلْ هَذِهِ، شَجَرَةُ الْعِنَبِ؟ - لَا؛ هَذِهِ، شَجَرَةُ الرُّمَّانِ.



الدَّرْسُ الثَّانِي (بَحْثُ أَوَّل)

المُعْجَم: واژه‌نامه (۲۲ کلمه)

انگور	عنب	بفنجر	إلا
اناق	عُرْفَة	شما (شما دو تن) «مثنى مذکر» و «مثنى مؤنث»	أنتما
هتل	فُنْدُق	فروشنده	بائع
لزديک	غريب	باز	بُشْتَان
روستا	قَرْيَة	دور	بَعِيد
کم	قليل	پاداش	جَزَاء
بسیار	کثير	سرباز	جُنْدِي
زبان	لسان	کیف، جعدان «جمع: حَقَائِب»	حَقِيْبَة
شهر	مَدِينَة	چه بسا	رَبِّ
آیا	هَلْ	اتار	زَمَان
اینجا	هُنَا	ستون	عَمُود

جواهرُ الكلام

١. ﴿قُلْ بِحَسْبِيَ الْإِخْلَاصُ﴾. الرمز:

٢. الْمُؤْمِنُ قَلِيلُ الْكَلَامِ كَثِيرُ الْعَمَلِ. قوله عليه السلام:

٣. سُكُوتُ اللِّسَانِ سَلَامَةٌ الْإِنْسَانِ. الرمز عليه السلام:

٤. رَبُّ كَلَامٍ جَوَابُهُ السُّكُوتُ. الرمز عليه السلام:

٥. الْوَقْتُ مِنَ الذَّهَبِ. حكمة:

هل؟ أم (آيا) نعم - لا (بله، نه)



هل هذه، شجرة الرمان؟
نعم؛ هذه، شجرة الرمان.



أهذه، حقيبة المدرسة؟
لا؛ هذه، حقيبة السفر.



هَلْ هُنَا مَدِينَةٌ؟
لا؛ هُنَا قَرْيَةٌ.



أَهَذَا جُنْدِيٌّ؟
نَعَمْ؛ هَذَا جُنْدِيٌّ.



هَلِ الْعُنْدُقِيُّ بَعِيدٌ؟
لا؛ الْعُنْدُقِيُّ قَرِيبٌ.

«هَلْ» و «أَ» دو کلمهٔ پرسشی به معنای «آیا» هستند که در جواب آن‌ها «نَعَمْ» یا «لا» می‌آید.

پرسشگری

التمارين

١ التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ:

با توجه به تصویر به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید (در یک کلمه).



٢. هَلْ هُنَا مَدِينَةٌ شِيرَاز؟



١. هَلْ هَذِهِ شَجَرَةُ الْعِنَبِ؟



٤. هَلْ هُوَ بَاتِعُ الْحَقَائِبِ؟



٣. هَلْ هُنَا بُسْتَانٌ؟

٢ التَّمْرِينُ الثَّانِي:

ترجمه كنيد.

١. الْمَكْتَبَةُ بَعِيدَةٌ وَ الْمَدْرَسَةُ قَرِيبَةٌ.

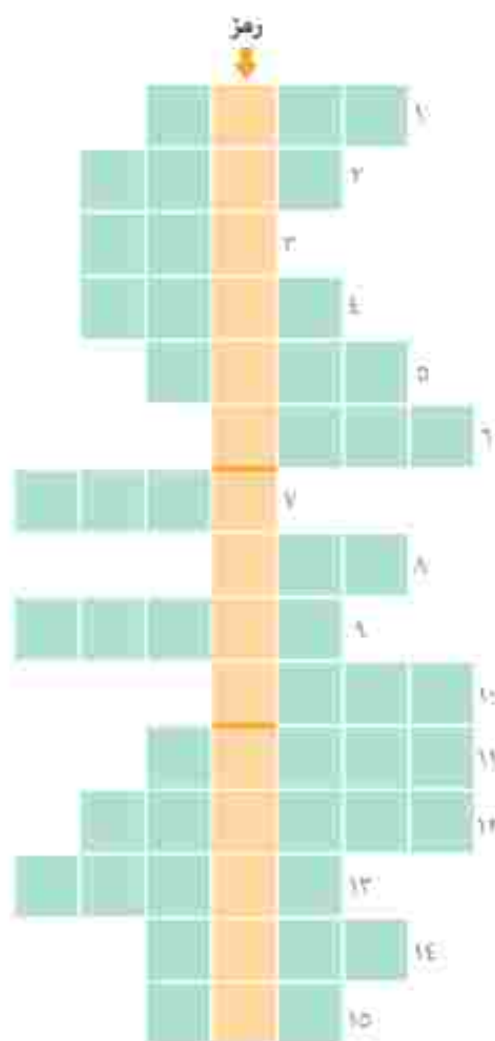
٢. هَلْ هُنَا أَشْجَارُ الْعَيْبِ وَ الرُّمَّانِ؟ لَا.

٣. هَلْ فِي هَذِهِ الْمَدِينَةِ فُنْدُقٌ؟ نَعَمْ.

٤. يَا وِلْدَانِ أَأَنْتُمْ حَاضِرَانِ؟ نَعَمْ، فَخُنْ حَاضِرَانِ.

۳ التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ:

با استفاده از کلمات زیر، جدول را کامل کنید و رمز را به دست بیاورید.
 عُرْفَة - لِسَان - كَلَام - يَوْم - صِحَّة - عَمُود - صَلَاة - طُلَّاب - قَرِيب - هُنَا -
 مُجَالَسَة - بَعِيد - نِسْيَان - أَوْلَادِك - عِدَاوَة



۱. زیان
۲. دانشجویان
۳. تندرستی
۴. سخن
۵. تعازیر
۶. اتفاق
۷. ستون
۸. روز
۹. آن‌ها
۱۰. دور
۱۱. فراموشی
۱۲. همنشینی
۱۳. دشمنی
۱۴. نزدیک
۱۵. این‌جا



رمز:

الدَّرْسُ الثَّانِي (بخش دوم)

المُعْجَم: واژه‌نامه (۲۱ کلمه)

رائده	سائق	خواهر	أخت
آسمان «جمع: سماوات»	سماه	بزرادر	أخ (أخو)
خودرو	سَيَّارَةٌ	زمن	أرض
آقا، سرور خانم	سَيِّدٌ سَيِّدَةٌ	من	أنا
دوست «جمع: أصدقاء»	صديق	قطعاً، به راستی که	إنَّ
مهمان «جمع: ضيوف»	ضَيْفٌ	نو «مؤنث»	أنتِ
نویسنده	كاتب	نو «مذكر»	أنتَ
زبان	لُغَةٌ	شما «جمع مؤنث»	أنَّهِنَّ
چه کسی، چه کسانی مال چه کسی، مال چه کسانی	مَنْ مَنْهِنَّ	همدستی بد بدی، بد	جليس السوء سوء
تنتهای	وَحْدَةٌ	تلفن همراه	جَوَّال (الهاتف الجوال)
		شش	سَام

نور الحكيم

١. اللطافة من الإيمان، والإيمان في الجنة. رسول الله ﷺ

٢. الوحدة خير من جليس السوء. رسول الله ﷺ

٣. إن حسن العهد من الإيمان. رسول الله ﷺ

٤. العجلة من الشيطان. الإمام علي عليه السلام

٥. ربّ كلام كالحسام. الإمام علي عليه السلام

لِمَن؟

مَن؟



رائحة عبقس إيران
تكثر المساهمة صوباً

مَن هي؟

هي عالمة إيرانية.



مَن هو؟

هو مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا الرَّازِي.



مَنْ هَذِهِ الْمَرْأَةُ؟
هِيَ مُجَاهِدَةٌ.



مَنْ هَذَا الْعَالِمُ؟
هُوَ أَبُو رِيحَانٍ.



إِيْمَنْ تِلْكَ السَّيَّارَةُ؟
لِيُحَدِّثِ الْمَدْرَسَةَ.



لِيَعْنِ هَذِهِ الْحَقِيْبَةُ؟
لِيُصْرِيْمَ.



مَنْ أَنْتِ؟
أَنَا مُدِيرَةُ الْمَكْتَبَةِ.



مَنْ أَنْتَ؟
أَنَا مُدِيرُ الْمَكْتَبَةِ.

«مَنْ» به معنای «چه کسی» و «چه کسانی» است؛ مثال:

- مَنْ أَسَادُ اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ؟ - السَّيِّدُ أَكْبَرِي.
- مَنْ أَسَادَةُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟ - السَّيِّدَةُ شَفِيعِي.

التمرين

١ التمرين الأول:

يا سخ هر پرسش کدام است؟



٢. مَنْ هُوَ؟

- هُوَ شَاعِرٌ إِيرَانِيٌّ.
- نَعَمْ: هُوَ شَاعِرٌ.



١. مَنْ هَذِهِ الْمَرْأَةُ؟

- هُوَ ضَيْفٌ.
- هِيَ كَاتِبَةٌ.



٤. لِمَنْ هَذَا الْمَرْفُودُ؟

لِمَوْلَانَا جَلالِ الدِّينِ.

هَذَا جَلالِ الدِّينِ.



٣. مَنْ هِيَ؟

هِيَ لِاعْبَتَةُ مُحَجَّبَةٌ.

هِيَ جُنْدِيَّةٌ شُجَاعَةٌ.

٢ التَّمْرِينُ الثَّانِي:

ترجمه كنيد.

١. ﴿مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾، الآية ١٧١

٢. لِمَنْ ذَلِكَ الْجَوَالُ الْجَمِيلُ؟ - لِلسَّيِّدِ أَخلاقِي.

٣. مَنْ هَذِهِ الْبَيْتُ الصَّغِيرَةُ؟ - هِيَ أُخْتُ سِينَا.

٤. مَنْ فِي الْعُرْفَةِ؟ - الضُّيُوفُ فِي الْعُرْفَةِ.

٥. مَنْ أَمَّنُّ يَا بِنَاتُ؟ - نَحْنُ طَالِبَاتُ ذَلِكَ الصَّفِّ.

٣ التَّعْرِينُ الثَّالِثُ:

كزينة مناسب را انتخاب كنيد.

١. مَنْ أَنْتَ يَا بِنْتُ؟ أَنْتَ صَدِيقِي حَامِدٍ أَنَا صَدِيقَةُ زَيْنَبٍ
٢. لِمَنْ هَذَا الْقَلَمُ؟ لِتِلْكَ الطَّالِبَةِ الْقَلَمُ هُنَا
٣. مَنْ ذَلِكَ الرَّجُلُ؟ هُوَ سَائِقُ السَّيَّارَةِ أَنْتِ سَائِقَةُ السَّيَّارَةِ
٤. مَنْ تِلْكَ الْبِنْتُ؟ هِيَ أُخْتُ ثُرَيَّا هُوَ أَخُو ثُرَيَّا
٥. أَنْتَ ____ يَا وَلَدُ. طَالِبٌ عَزِيزٌ طَالِبَتَانِ عَزِيزَتَانِ

٤ التَّعْرِينُ الرَّابِعُ:

به پرسش‌های زیر، پاسخ کوتاه دهید. (در يك يا دو كلمه)

١. مَنْ مُدِيرُ الْمَدْرَسَةِ؟ (مَنْ مُدِيرَةُ الْمَدْرَسَةِ؟)

٢. هَلِ الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السُّوءِ؟

٣. مَنْ أَنْتَ؟ (مَنْ أَنْتِ؟)

٤. مَنْ خَالِقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؟

٥. مَنْ مُدَرِّسُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟ (مَنْ مُدْرَسَةُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟)

الدَّرْسُ الثَّانِي (بخش سوم)

المُعْجَم: واژه‌نامه (۲۱ کلمه)

افضل	بهتر، برترین	فَاعِلَةٌ	انجام دهنده‌اش
إِلَى	به، به سوی، تا	مَا، مَاذَا	چه، چه چیز، چیست
أُمٌّ	مادر «جمع: أمهات»	مُدَارَاةٌ	مدارا کردن
أَنْفِخَ	سودختنترین	مِئْذَنَةٌ	میز
بَيْتٌ	خانه	نَاسٌ	مردم
حَوْلَ	اطراف	بِئْسَ	زنان
دَوْرَانِ	چرخیدن	نَهْمٌ أَنْفَعُهُمْ	بشان - آنان «جمع مذکر» سودمندترینشان
رُحِيصَةٌ	ارزان	سَيِّئٌ أَسْفَى	تم - من مادرم
عَبْدٌ	بنده	يَسَارٌ	چپا
عَيْشٌ	زندگی	يَمِينٌ	راست
غَالِبَةٌ	گرا، ارزشمند		

كُنْزُ النَّصِيحَةِ

١. أَفْضَلُ النَّاسِ أَلْفَعُمُهُمُ لِلنَّاسِ. رَوَاهُ اللَّهُ ﷺ

٢. الْخَيْرُ كَثِيرٌ وَفَاعِلُهُ قَلِيلٌ. رَوَاهُ اللَّهُ ﷺ

٣. الْإِنْسَانُ عِنْدَ الْإِحْسَانِ أَمَامَ عَيْنِ اللَّهِ

٤. بَلَاءُ الْإِنْسَانِ فِي لِسَانِهِ. الْأَمَامُ عَلِيُّ رَضِيَ

٥. سَلَامَةُ الْعَيْشِ فِي الْمُدَارَاةِ. الْأَمَامُ عَلِيُّ رَضِيَ

مَا؟



مَا هَذِهِ؟
هَذِهِ هَدِيَّةٌ لِأُمِّي.



مَا هَذَا؟
هَذَا مِفْتَاحُ بَيْتِكَ.



ما معنى هذه العلامة؟
الدوران إلى اليسار ممنوع.



ما معنى هذه العلامة؟
الدوران إلى اليمين ممنوع.

«ما» و «ماذا» برای پرسش از «چیستی» است. مثال:

مَا الْمُسْكِلُ؟ مَا السَّمَكُ؟ مَا الْخَبِيرُ؟ ماذا هنا؟

این جمله‌ها را ترجمه کنید.

مَا اللُّغَةُ الرَّسْمِيَّةُ فِي إِيرَانَ؟ - الْفَارْسِيَّةُ.

ماذا على المنضدة؟ - جَوَالِ أُنْسِي.

مَا جَوَالِ الْبَيْتِ؟ - عَمُودٌ كَبِيرٌ.

١. التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ:

به پرسش‌های زیر، پاسخ کوتاه دهید. (در یک کلمه)



٢. مَا تِلْكَ عَلَيَّ الْجَبَلِ؟



١. مَا ذَلِكَ؟



٤. مَا هَذِهِ؟



٣. مَا هَذَا؟

٢ الثَّمَرِينُ الثَّانِي:

ترجمه كنيد.

١. ما هاتان؟ - هاتان، هَدِيَّتَانِ غَالِيَتَانِ.

٢. ما هُذِهِ؟ - هُذِهِ، جَائِزَةٌ ذَهَبِيَّةٌ لِلْفَائِزِ الْأَوَّلِ.

٣. ماذا في تلكِ السَّيَّارَةِ الْكَبِيرَةِ؟ - حَقَائِبُ الْمُسَافِرِينَ.

٣ الثَّمَرِينُ الثَّلَاثُ:

متضادّ كلمات زير کدام است؟

حَسَنٌ - رَخِيصَةٌ - كَثِيرٌ - جَالِسٌ - جَمَاعَةٌ - بَعِيدٌ

قَرِيبٌ ≠ قَلِيلٌ ≠ وَحْدَةٌ ≠

وَاقِفٌ ≠ سَوَاءٌ ≠ غَالِيَةٌ ≠

٤ الثَّمَرِينُ الرَّابِعُ:

از میان کلمات زیر، معادل مؤنث هر کلمه را پیدا کنید و بنویسید.

الْبَيْتُ - الْبَنَاتُ - الْمَرْأَةُ - النِّسَاءُ - هُذِهِ - أَنْتِ - هِيَ - الْأَخْتُ - هَاتَانِ - تِلْكَ

الرَّجُلُ: _____ الْوَلَدُ: _____ الرَّجَالُ: _____ الْأَوْلَادُ: _____ أَنْتِ: _____

هَذَا: _____ ذَلِكَ: _____ هَذَانِ: _____ الْأَخُ: _____ هُوَ: _____

الدَّرْسُ الثَّانِي (بخش چهارم)

المُعْجَم: واژه‌نامه (۲۲ کلمه)

أقدام	پاها «مفرد: قدم»	عَلَيْكَ بِـ	بر تو باشد، بر تو لازم است.
أمام	روبه‌رو	فَوْقُ	بالا، روی
أَيْنَ مِنْ أَيْنَ	کجا اهل کجا، از کجا	قَرِيبٌ مِنْ	نزدیک به
باب	در «جمع: أبواب»	قَمِيصٌ	پیراهن
بُقْرةٌ	گاو	كَم	بِتان، ـ شما «جمع مذکر»
تَحْتَ	زیر	كَمَا	بتان، ـ شما «مثلث مذکر» و «مثلث مؤنث»
جَنْبٌ	کنار	كُنْ	بتان، ـ شما «جمع مؤنث»
خَلْفٌ	پشت	مَعَ	با، همراه
سروال	شلوار	وَأَنَّ	پشت
سُقْبلةٌ	کشتی	هَبَانٌ	تخت
عَلَى الْيَسَارِ	سمت چپ	يَدٌ	دست
عَلَى الْيَمِينِ	سمت راست		

الحكم الشافعة

١. الأعمال بالتسيات. رسول الله ﷺ

٢. عليك بمداارة الناس. رسول الله ﷺ

٣. حسن الخلق نصف الدين. رسول الله ﷺ

٤. الجنة تحت أقدام الأمهات. رسول الله ﷺ

٥. يد الله مع الجماعة. الزمعة عن النبي ﷺ

أين؟



أين الرجل؟
تحت السيارة.



أين السفينة؟
في الخليج الفارسي.



أين الوند؟
خلف الباب.



أَيْنَ الْبَيْتِ؟
فَوْقَ الشَّجَرَةِ.



أَيْنَ الرَّجُلِ؟
أَمَامَ بَابِ الْبَيْتِ.



أَيْنَ الرَّجُلِ؟
بَيْنَ السَّيَّارَتَيْنِ.



أَيْنَ الْقَمِيصِ وَالسَّرْوَالِ؟
فِي الْحَقِيبَةِ.



أَيْنَ الزَّرَافَةِ؟
وَرَاءَ الشَّجَرَةِ.



أَيْنَ الطِّفْلِ؟
عِنْدَ أُمِّهِ.

۱. در پاسخ به «أَيْنَ» از چنین کلماتی استفاده می‌کنیم:

فَوْقَ، تَحْتَ، أَمَامَ، خَلْفَ (وَرَاءَ)، جَنْبَ، عِنْدَ، حَوْلَ، بَيْنَ، فِي، عَلَى، عَلَى الْيَمِينِ، عَلَى الْبَسَارِ، هُنَا، هُنَاكَ

۲. برای اینکه از کسی بپرسیم «شما اهل کجا هستید؟» از اصطلاح «مِنْ أَيْنَ؟» استفاده می‌کنیم:



مِنْ أَيْنَ أَنْتِ؟
- أَنَا مِنْ مِصْرَ. (أَنَا مِصْرِيَّةٌ.)

مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟
- أَنَا مِنْ مِصْرَ. (أَنَا مِصْرِيٌّ.)

اکنون به یکی از دو پرسش زیر پاسخ دهید.

مِنْ أَيْنَ أَنْتِ؟ - _____ - _____

مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ - _____ - _____

۳. اصطلاح «عَلَيْكَ بِ...» به معنای «بر تو لازم است»، «تو باید» و «بایند باش به...»

است؛ مثال: عَلَيْكَ بِالْخُرُوجِ = بر تو لازم است خارج شوی. تو باید خارج شوی.

ترجمه این جمله‌ها چیست؟

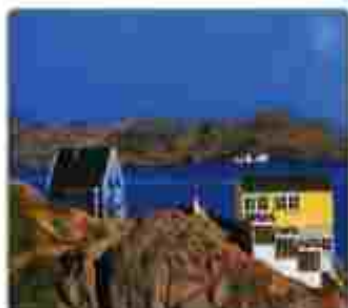
عَلَيْكَ بِالشُّكْرِ. _____ عَلَيْكُمْ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ. _____

عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ. _____ عَلَيْنَا بِحُبِّ الْأَصْدِقَاءِ. _____

عَلَيْكُمْ بِالْإِحْسَانِ. _____ عَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ. _____

١ التمرين الأول:

با توجه به تصویر به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید.



أَيْنَ النِّبْتَانِ؟



أَيْنَ البَقَرَةُ؟

٢ التمرين الثاني:

ترجمه کنید.

- | | | |
|-------|-------------------------------|----------------------------|
| _____ | ١. أَيْنَ المَكْتَبَةُ؟ | - عَلَى اليمِينِ. |
| _____ | ٢. أَيْنَ البُسْتَانُ؟ | - عَلَى اليسَارِ. |
| _____ | ٣. مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ | - أَنَا مِنْ النِّمْنِ. |
| _____ | ٤. أَيْنَ المِفْتَاحُ؟ | - هُنَاكَ؛ عَلَى البَابِ. |
| _____ | ٥. أَيْنَ مَدِينَةُ بَدْرَةَ؟ | - قَرِيبَةً مِنْ إِيلَامِ. |

٣ الثَّمَرِينُ الثَّلَاثُ:

با توجه به تصویر، به پرسش‌ها پاسخ کوتاه دهید.

١. أَيْنَ الْوَلَدُ؟

٢. أَيْنَ السَّيَّارَةُ؟

٣. أَيْنَ الرَّجُلُ؟

٤. أَيْنَ الْمَرْأَةُ؟

٥. مَاذَا عَلَى السَّيَّارَةِ؟



الدَّرْسُ الثَّانِي (بخش پنجم)

المُعْجِم: واژه‌نامه (۲۴ کلمه)

پنج	خَمْسَة	دوازده	إِثْنَا عَشَرَ
هفت	سَبْعَة	دو	إِثْنَانِ
شش	سِتَّة	یازده	أَحَدَ عَشَرَ
بیست و شش	سِتَّةٌ وَعِشْرُونَ	چهار	أَرْبَعَة
ماه «جمع: شهور»	شَهْر	هفته	أُسْبُوع
ده	عَشْرَة	کسی که، که	الَّذِي
چند، چندتا	كَم	دریا «جمع: بهار»	بَحْر
قرآن	مُصْحَف	نه	تِسْعَة
آتش	نَار	سه	ثَلَاثَة
نگاه	نَظَر	هشت	ثَمَانِيَة
درد	وَجَع	کذرتامه	جَوَاز (جَوَازِ السَّفَرِ)
چهره	وَجْه	آفرید	خَلَقَ

المواضع العَدَدِيَّة

١. النَّظَرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ، عِبَادَةٌ:

«النَّظَرُ فِي الْمُنْحَفِ» وَ«النَّظَرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ» وَ«النَّظَرُ فِي الْبَيْتِ».

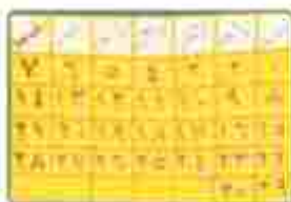
٢. أَرْبَعَةٌ، ثَلَاثٌ لَهَا كَثِيرٌ: «الْفَقْرُ وَالرَّجْعُ وَالْعِدَاوَةُ وَالنَّارُ».

٣. خَمْسَةُ أَشْيَاءَ، خَمْسَةٌ فِي الثَّالِثِ: «الْعِلْمُ وَالْعَدْلُ وَالسَّخَاوَةُ وَالصَّبْرُ وَالْحَيَاءُ».

كَمْ؟



كَمْ جَوَازًا هُنَا؟
ثَلَاثَةٌ.



كَمْ يَوْمًا أَيْامُ الْأُسْبُوعِ؟
سَبْعَةٌ.



كَمْ عَوَاصِفٍ فِي هَذِهِ الصُّورَةِ؟
أَرْبَعَةٌ.



كَمْ لَاعِبًا فِي الصُّورَةِ؟
بِئْسَةٌ.



كَمْ سِرْوَالًا هُنَا؟
ثَمَانِيَةٌ.



كَمْ عَدَدُ الْمَفَاتِيحِ؟
خَمْسَةٌ.

١. عددهاى اصلى:

١. واحد ٢. اثنان ٣. ثلاثة ٤. اربعة ٥. خمسة ٦. ستة
 ٧. سبعة ٨. ثمانية ٩. تسعة ١٠. عشرة ١١. أحد عشر ١٢. اثناعشر

٢. كلمة برسشى «كَم» به معنى «چند» است؛ مثال:

كَم جَوَازاً عَلَى الْمِنَصَّةِ؟ - عَشْرَةٌ.

التمرين

١ التمرين الأول:

گزینه درست کدام است؟

١. كَم أسبوعاً في الشهر؟
 ٢. كَم صَفَاً في المَرَحَلَةِ الإبتدائية؟
- اربعة
 عشرة
 ستة
 اثنان

٢ التمرين الثاني:

ترجمه كنيد.

١. ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ﴾ مريم: ٥

٢. ﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا﴾ المائدة: ١٢

٣. كَم يَوْمًا أَنْتَ فِي السَّفَرِ؟ - تَقْرِيْباً تِسْعَةَ أَيَّامٍ.

بخوانيد و ترجمه كنيد.

١. سِتَّةٌ وَعِشْرُونَ نَبِيًّا.

١. كم عددُ الأنبياءِ في القرآن؟



٢. خَمْسٌ سُورٍ.

٢. كم سورةٌ باسمِ الحيواناتِ في القرآن؟



٣. أَرْبَعٌ سَجْدَاتٍ.

٣. كم عددُ السجّاتِ الواجبةِ في آياتِ القرآن؟



نَظَرَةٌ إِلَى الدَّرْسِ الثَّانِي

نگاهی به درس دوم

کلمات پرسشی



مثال

کلمه پرسشی

هَلْ هَذَا جُنْدِيٌّ؟ (أَمْ هَذَا جُنْدِيٌّ؟) - نعم: هَذَا جُنْدِيٌّ.

أ. هَلْ؛ آيا



مثال

کلمه پرسشی

مَنْ هُوَ؟ - هُوَ مُدِيرُ المَدْرَسَةِ.

مَنْ: چه کسی، کیست، چه کسانی

کلمات پرسشی



مثال

کلمه پرسشی

لَقَدْ هَذِهِ الْحَقِيبَةُ؟ - هَذِهِ الْحَقِيبَةُ، لِصَدِيقَتِي.

لَقَدْ: مال چه کسی



مثال

کلمه پرسشی

ما هَذَا؟ - ذَلِكَ قَلَمٌ.

ما، ماذا؛ چیست، چه چیزی

کلمات پرسشی



مثال

کلمه پرسشی

مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ - مِنْ هَمْدَانَ.

أَيْنَ: کجا



مثال

کلمه پرسشی

كَمْ طَالِبًا فِي الصَّفِّ؟ - عَشْرَةً.

كَمْ: چند



الدَّرْسُ الثَّلَاثُ (ضمير)



كيف حالكِ؟ - أنا بخير وَ كيف أنتِ؟



الدَّرْسُ الثَّالِثُ

المُعْجَم: واژه‌نامه (۱۹ کلمه)

خیابان	شارع	پدر	أب (أبو)
صبح به خیر	صبح الخیر، صبح اللور	یکی از، کسی	أحد
خدا حافظ	فی أمان الله	خانواده	أسرة
چطور	كيف	که، کسی که	أنتی
خات، - تو خالت، خال تو	خالک	به امید دیدار	إلى اللقاء
به سلامت	مع السلامة	خویم	أنا بخیر
جان، - ما هملمان، هتل ما	جاننا فندقنا	خوش آمدید	أهلاً وسهلاً بكم
پایان	نهاییه	کدام، چه	أی
شان، - آن‌ها، - آن دو صورتشان	شما وجوهنا	پدر بزرگ مادر بزرگ	جد جدة
		گفت و گو	حوار

حوار بين ولدتين



صمير:

- أهلاً وسهلاً بكم؛ صباح الخير.

- كيف حالك؟

- أنا بخير؛ من أين أنت؟

- أنا من العراق؛ هل أنت من مشهد؟

- وأنا من البصرة.

- اسمي صميرٌ و ما اسمك؟

حميد:

- صباح النور.

- أنا بخيرٍ و كيف أنت؟

- أنا من إيران و من أين أنت؟

- لا؛ أنا من مازندران.

- ما اسمك؟

- اسمي حميدٌ.

- أَيْنَ أَسْرَتُكَ؟
- هُمْ جَالِسُونَ هُنَاكَ.
- أَيْنَ فُنْدُقُكُمْ؟
- ذَلِكَ أَبِي وَتِلْكَ أُخِي.
- كَمْ يَوْمًا أَنْتُمْ فِي كَرْبَلَاءَ؟
- ذَلِكَ جَدِّي وَتِلْكَ جَدَّتِي.
- مَنْ هَذَا الْوَلَدُ؟
- فِي نَهَائِهِ هَذَا الشَّارِعِ.
- مَا اسْمُهُ؟
- ثَلَاثَةٌ أَيَّامٍ.
- هُوَ أَخِي.
- إِيَّاهُ جَعَفَرُ.
- فِي أَمَانِ اللَّهِ.
- إِلَى النُّقَاءِ مَعَ السَّلَامَةِ.

التَّمَارِينُ

١ التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ:

با توجّه به متن درس، پاسخ صحیح و غلط را معلوم کنید.

صحيح غلط

١. سَمِيرٌ مِنْ مِصْرِ.
٢. جَعْفَرٌ أَخُو حَمِيدٍ.
٣. حَمِيدٌ مِنْ مَارَنْدَرَانَ.
٤. أُسْرَةٌ حَمِيدٍ فِي كَرْبَلَاءَ أَرْبَعَةَ أَيَّامٍ.
٥. فُنْدُقُ أُسْرَةِ حَمِيدٍ فِي **بِدَايَةِ** الشَّارِعِ.

٢ التَّضَرُّيُّمُ الثَّانِي:

به پرسش های زیر پاسخ دهید.

١. كَيْفَ حَالِكَ؟ (كَيْفَ حَالِكَ؟)

٢. مِنْ أَيْنَ أَنْتِ؟ (مِنْ أَيْنَ أَنْتِ؟)

٣. مَا اسْمُكَ؟ (مَا اسْمُكَ؟)

٤. أَيْنَ بَيْتُكَ؟ (أَيْنَ بَيْتُكَ؟)

الْقُرْآنَات

بخوانید و ترجمه کنید.

١. ما هي سَيِّدَةُ آيَاتِ الْقُرْآنِ؟ - آيَةُ الْكُرْسِيِّ.



١. «هي» در «ما هي» ترجمه می شود.

٢. «سَيِّدَةُ»: بانو، سرور.

٢. أي سورة باسم أحد الفلزات؟ - سورة «الحديد».



٣. ما هي السورة التي باسم امرأة؟ - سورة «مريم».



نَظَرَةٌ إِلَى الدَّرْسِ الثَّالِثِ^۱

نگاهی به درس سوم

ضمیرهای مُتَفَصِّل			
عربی			فارسی
أَنَا أَنَا فَاتِرَةٌ.			من
أَنْتَ (مفرد مذکر) أَنْتِ (مفرد مؤنث)			تو
هُوَ (مفرد مذکر) هِيَ (مفرد مؤنث)			او
نَحْنُ	نَحْنُ	نَحْنُ	ما
نَحْنُ وَالْفَتَاتَانِ.	نَحْنُ وَالْفَتَاتَانِ.	نَحْنُ وَالْفَتَاتَانِ.	ما
أَنْتُمْ (جمع مذکر) أَنْتُمْ مَسْرُورُونَ.	أَنْتُمْ (جمع مذکر) أَنْتُمْ مَسْرُورُونَ.	أَنْتُمْ (جمع مؤنث) أَنْتُنَّ مَسْرُورَاتٌ.	شما
هُم (جمع مذکر) هُم جَالِسُونَ.	هُم (جمع مذکر) هُم جَالِسَانِ.	هُنَّ (جمع مؤنث) هُنَّ جَالِسَاتٌ.	ایشان (آنها)

۱. قبلی توجه دانش آموزان:

مطالب این بخش جدید نیست. شما قبلاً معنای این ضمیرها را آموخته‌اید. اکنون در این بخش، آن‌ها را در دست‌نویس مرتب مشاهده می‌کنید. در منزل مطالعه کنید. سپس در کلاس درس، صرفاً رفع اشکال کنید.

ضمیرهای متصل

عربی				فارسی
				تو - من أَنْتَ بَيْتِي
		لَكَ (مفرد مؤنث) بَيْتِكَ	لَكَ (مفرد مذکر) بَيْتِكَ	تو - تو أَنْتَ بَيْتِكَ
		لِهَا (مفرد مؤنث) بَيْتِهَا	لَهُ (مفرد مذکر) بَيْتِهِ	شما - او أَنْتُمْ بَيْتِهِمْ
				ما بَيْتِنَا
لَهُمَا (مثنی مؤنث) بَيْتَهُمَا	لَهُمَا (مثنی مذکر) بَيْتَهُمَا	لَهُنَّ (جمع مؤنث) بَيْتُهُنَّ	لَهُمْ (جمع مذکر) بَيْتُهُمْ	شما - شما أَنْتُمْ بَيْتِكُمْ
لَهُمَا . هُمَا (مثنی مؤنث) بَيْتَهُمَا	لَهُمَا . هُمَا (مثنی مذکر) بَيْتَهُمَا	لَهُنَّ . هُنَّ (جمع مؤنث) بَيْتُهُنَّ	لَهُمْ . هُمْ (جمع مذکر) بَيْتُهُمْ	شان - ایشان (آن‌ها) أَنْهِنَّ

ضمير

ترجمة فارسي	متصل		ترجمة فارسي	متفصل		مفرد	مثنى	جمع
	مؤنث	مذكر		مؤنث	مذكر			
شـ، او ایشان (آن دو) شان، ایشان (انها)	ها هُمَا هُنَّ	ه هُمَا هُم	او ایشان (آن دو) ایشان (انها)	هي هُمَا هُنَّ	هو هُمَا هُم			
تو شان، شما (دو نفر) شان، شما (چند نفر)	ك كُما كُنَّ	ك كُما كُم	تو شما (دو نفر) شما (چند نفر)	أنت أنتما أنتنَّ	أنت أنتما أنتم			
من، من جان، ما	جا نا	من ما	من ما	أنا نحن	أنا نحن	متكلم وحده	متكلم مع الغير	

فعل ماضى



قَرَأَتْ



كَتَبَ



سَمِعَتْ



رَفَعَ



صَبِرَتْ



خَرَّتْ



عَرَفَتْ



جَلَسَ



لَعِبُوا



عَلِمْنَ



وَقَفْنَا



صَعِدْنَا



وَصَلَا



فَرَحْنَ



أَكَلْنَا



نَظَرْنَا



الدَّرْسُ الرَّابِعُ (فعل ماضي: فَعَلْتُ، فَعَلْتِ، فَعَلْتُمْ، فَعَلْتُمْ)

- أَيْنَ ذَهَبْتِ؟ - ذَهَبْتُ إِلَى السُّوقِ.



الدَّرْسُ الرَّابِعُ

المُعْجَم: واژه‌نامه (۲۸ کلمه)

بسیار متشکرم	شُكْرًا جَزِيلًا	گرفت، برداشت	أَخَذَ
چادر	عِبَاءة	خرید اِشْتَرَيْتُ: خریدم اِشْتَرَيْتَ: خریدی «مذکر» اِشْتَرَيْتِ: خریدی «مؤنث»	اِشْتَرَى
پرچم	عَلَمٌ	خورد أَكَلْتُ: خوردم «مؤنث» أَكَلْتِ: خوردم	أَكَلَ
داری، نزد تو	عِنْدَكَ	هزار	أَلْفٌ
گُست	غَسَلَ	با	أَمْ
په‌اهن زنانه	فُسْطَانٌ	ماند ماندی	بَقِيَ بَقِيَتْ
خواند	قَرَأَ	ویرا	تَأْسِيرًا
بود	كَانَ، كَانَتْ	سبب	تَفَاحٌ، تَفَاحَةٌ
نوشت	كَتَبَ	یاد کرد	ذَكَرَ
هیچ غرق نیست	لَا فَرَقَی	رفت	ذَهَبَ
چرا، برای چه	لِمَاذَا	نامه	رِسَالَةٌ
راه‌پیمایی	مَسِيرَةٌ	بالا بُرد، برداشت	رَفَعَ
لباس‌ها	مَلَابِسٌ	بازار	سَوَقٌ
تو به تنهایی «مذکر» تو به تنهایی «مؤنث»	وَحْدَكَ وَحْدِكَ	مامور پلیس	شُرْطِينٌ

في السوق



- أَيْنَ ذَهَبْتِ يَا أُمَّ حَمِيدٍ؟
- هَلِ اشْتَرَيْتِ شَيْئًا؟
- أَذَهَبْتِ وَحَدِّكِ؟
- كَيْفَ كَانَتْ قِيمَةُ الْقَمَلِيسِ؛ رَحِيصَةً أَمْ غَالِيَةً؟
- فَمَاذَا اشْتَرَيْتِ؟
- مَاذَا اشْتَرَيْتِ؟
- مَلَابِسٌ جَمِيلَةٌ! فِي أَمَانِ اللّٰهِ.
- ذَهَبْتِ إِلَى سَوْقِ النُّجُفِ.
- نَعَمْ؛ اشْتَرَيْتِ مَلَابِسَ بَسَائِيَّةً.
- لَا؛ ذَهَبْتُ مَعَ صَدِيقَاتِي.
- مِثْلَ إِيْرَانِ؛ لَا فَرْقِي؛ لَكِنْ اشْتَرَيْتِ.
- اشْتَرَيْتِ لِلْهَدِيَّةِ.
- فُسْتَانًا وَ عِبَاءَةً.
- شُكْرًا جَزِيلًا؛ مَعَ السَّلَامَةِ.



- أين ذهبت يا أبا حميد؟
 - هل اشتريت شيئاً؟
 - أ ذهبت وخذت؟
 - كيف كانت قيمة الملابس؛ رخيصة أم غالية؟
 - فلماذا اشتريت؟
 - ماذا اشتريت؟
 - ملابس جميلة! في أمان الله.
- ذهبت إلى سوق النجف.
 - نعم؛ اشتريت ملابس رجالية.
 - لا؛ ذهبت مع أصدقائي.
 - مثل إيران؛ لا فرق؛ لكن اشتريت.
 - اشتريت للهدية.
 - قميصاً و سروالاً.
 - شكراً جزيلاً؛ مع السلامة.

فعل ماضى (١)






ماذا قرأت؟
 قرأت القرآن.



ماذا أكلت؟
 أكلت نفاخة.

با فعل ماضی در درس فارسی آشنا شده‌اید. فعل ماضی بر زمان گذشته دلالت دارد؛ مانند: «رَفَعْتُمْ: دُعِبْتُمْ». از درس چهارم تا پایان درس هشتم با فعل ماضی آشنا می‌شوید. به جمله‌های فارسی و عربی زیر دقت کنید.

من انجام دادم.	اول شخص مفرد	أَنَا فَعَلْتُ. (متکلم و جمع)	
تو انجام دادی.	دوم شخص مفرد	أَنْتَ فَعَلْتَ. (مفرد مذکر مخاطب)	
		أَنْتِ فَعَلْتِ. (مفرد مؤنث مخاطب)	



أَنَا رَفَعْتُ عَلَمَ إِيرَانَ.



أَنَا كَتَبْتُ رِسَالَةً لِصَدِيقِي.



أَنْتِ قَرَأْتِ كِتَابًا عِلْمِيًّا.



أَنْتَ أَخَذْتَ كِتَابًا مُفِيدًا.

۱ التمرین الأول:

جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل‌های ماضی خط بکشید.

۱. أَيُّهَا الْمُسَافِرُ، أَذَهَبْتَ إِلَى الْمُنْدُقِ؟ - لَا، ذَهَبْتُ إِلَى السُّوقِ.

۲. مِنْ أَيْنَ أَخَذْتَ قَمِيصَكَ؟ - أَخَذْتُهُ مِنْ هُنَاكَ.

۳. مَاذَا غَسَلْتَ؟ - غَسَلْتُ وَجْهِي وَ يَدَيَّ لِلْوُضوءِ.

۴. مَاذَا اشْتَرَيْتَ؟ - اشْتَرَيْتُ فُسْتَانًا وَ عِبَاءَةً.

۲ التمرین الثاني:

گزینه درست را انتخاب کنید.

- | | | |
|---------------------------|----------|----------------|
| ۱. كَمْ ثِقَاةً أَكَلْتَ؟ | أَكَلْتُ | تَفَاخَتَيْنِ. |
| ۲. أَأَنْتَ هَدَيْتَكَ؟ | أَخَذْتُ | أَخَذْتُ |
| ۳. أَنْتَ صَدِيقَتِكَ. | دَكَرْتُ | دَكَرْتُ |
| ۴. أَأَنْتَ الْعَلَمَ؟ | رَفَعْتُ | رَفَعْتُ |
| ۵. أَنَا مَلَايْسِي. | غَسَلْتُ | غَسَلْتُ |

الأربعينيات

جوارات في مسيرة الأربعين الحسيني عند الشرطي

الشرطي: - أين جوازك؟

الرائد: - هذا جوازي.

الشرطي: - هل عندك تأشيرة؟

الرائد: - نعم، عندي.

الشرطي: - كم يوماً بقيت هنا في الكاظمية؟

الرائد: - يوماً واحداً.

الشرطي: - كم عددكم؟

الرائد: - نحن الثمانمئة زائراً.







الدَّرْسُ الْخَامِسُ (فعل ماضٍ: فَعَلَ، فَعَلْتَ)

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ﴾ الْإِنْعَامُ: ١



الدَّرْسُ الْخَامِسُ

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۷ کلمه)

دشمنی	عَدُوَان	هرگاه، اگر	إِذَا
باز کرد فَتَحَتْ: باز کرد «مَوَلَّتْ»	فَتَحَ	مغرومایگان، پست‌ترین‌ها	أَرَادِل
نزدیک شد به	قَرَّبَ مِنْ	شایستگان، برترین‌ها	أَفْضَل
کوئنه	قَصِير	نزدیک‌ترین	أَقْرَب
بازی کرد	لَعِبَ	دببال... گشت	بَحَثَ عَنِ
مسلمان	مُسْلِم	سپس	ثُمَّ
فرمانروا شد	مَلَكَ	درو کرد	خَصَدَ
هر کس (شرطی) کسی که	مَنْ	زیان	خَسِرَان
تکلیف	وَأَجِبَ	بزرگشت	رَجَعَ
پیدا کرد	وَجَدَ	کاشت	زَرَعَ
رسید	وَصَلَ	خسته نباشید، خداقوت	سَاعِدْكُمْ اللَّهُ
هلاک شد	هَلَكَ	عالم ماند	سَلِمَ
وجود دارد، هست	يُوجَدُ	بالا رفت	صَعِدَ
		کوبید	طَرَقَ

الجُمَلَاتُ الذَّهَبِيَّةُ



لَعِبَ يَاسِرٌ مَعَ أَصْدِقَائِهِ فِي الْمَدْرَسَةِ.

رَجَعَ يَاسِرٌ إِلَى الْبَيْتِ بَعْدَ الظُّهْرِ.

هُوَ طَرَفٌ بِبَابِ الْمَنْزِلِ.

سَمِعَتْ أُمُّهُ صَوْتَ الْبَابِ فَمَ دَهَبَتْ وَفَتَحَتْ

الْبَابَ وَسَأَلَتْهُ:

الْأُمُّ: كَيْفَ حَالُكَ؟

الْوَلَدُ: أَنَا بِخَيْرٍ.

الْأُمُّ: مَا وَاجِبَاتُكَ؟

يَاسِرٌ: حَفِظْتُ هَذِهِ الْجُمَلَاتِ الذَّهَبِيَّةِ.



«إِذَا مَلَكَ الْأَرَقَلُ خَلِيكَ الْأَعْمَلُ.»

«مَنْ زَرَعَ الْعُتُورَ: حَصَدَ الْخِرَانَ.»

«الْشَّجَرَةُ لَوْ قُورِ الْعَلِيمِ.»

«خَيْرُ النَّاسِ، أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ.»

«النُّسْلُ، مِنْ عِنْدِ النَّاسِ مِنْ إِسَابِهِ وَيَدِهِ.»، «إِنْسَانٌ الْمُقْصِرُ، مُخْصِرٌ.»

١. فَتَحَتْ + الْبَابُ = فَتَحَتْ الْبَابَ

به دلیل اینکه لفظ دو حرفه ساکن در کنار هم در زبان عربی دشوار است لذا حرفی ساکن اول کسره گرفته است.

٢. هر کس دشمنی کاشت (بکارید) زبان درو کرد (درو من کرد).

٣. مسلمان کسی است که مردم از زبانش و دستش سالم مانند او ایمان یابند.



هَذِهِ اللَّاعِبَةُ رَفَعَتْ عَلَمَ إِيرانَ.



هَذَا الْوَلَدُ أَحَدَ كِتَاباً مِنَ الْمَكْتَبَةِ.

به جمله های عربی و فارسی زیر دقت کنید.

سوم شخص مفرد او انجام داد.	هُوَ فَعَلَ.	
	(مفرد مذکر غایب)	
	هِيَ فَعَلَتْ.	
	(مفرد مؤنث غایب)	

آتمارين

١ التمرين الأول:



كلمات مترادف و متضاد را معلوم كنيد.

عُدْوَان — ضِدَاة	جَاهِل — عَالِم	أَرَادَن — أَفْضَل	أَفْضَل — خَيْر
بِدَايَةِ — لِبَايَةِ	رَخِيصَةٌ — غَالِيَةٌ	عُدْوَان — عِدَاوَةٌ	خَطْفٌ — وَرَامٌ

٢ التمرين الثاني:

در هر مجموعه، کلمه ناهماهنگ کدام است؟

١. عِلْمٌ ● أُمَّتٌ ● أُخٌ ● أُمٌ ●
٢. يَدٌ ● مَاءٌ ● وَجْهٌ ● لِسَانٌ ●
٣. قَمِيصٌ ● قُفُوفٌ ● قُفُوفٌ ● قَمِيصٌ ●
٤. قَصِيرٌ ● نَافِذَةٌ ● بَابٌ ● عُرْفَةٌ ●
٥. خَرَجٌ ● دَخَلَ ● هَلَكٌ ● تَحْتَ ●
٦. أَنَا ● هِيَ ● هُوَ ● هِيَ ●

٣ التمرين الثالث:

بخوانيد و ترجمه كنيد.



﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ﴾ ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ﴾



هِيَ وَصَلَتْ إِلَى بَيْتِهَا.



هُوَ بَحَثَ عَنِ الْكُتُبِ.



أَنَا سَأَلْتُ مُدْرَسِي.



أَنَا قُرَيْتُ مِنَ الْقَرْيَةِ.



الأربعينيات

جوارات في مسيرة الأربعين الحسيني
طريق كربلاء

الزائر العراقي: - أهلاً وسهلاً بكم.

الزائر الإيراني: - شكراً جزيلاً. **ساعدكم الله!**

أي طريق أقرب إلى كربلاء؟

الزائر العراقي: - ذلك الطريق أقرب.

الزائر الإيراني: - هل يوجد موكب قريب من هنا؟

الزائر العراقي: - نعم، يوجد. هناك موكب.



١. موكب: استراحة خدمات رستاني وابگان به زائران، مانند اسکان، پذیرایی، خوراکی‌دهی و...





الدَّرْسُ السَّادِسُ (فعل ماضٍ: فَعَلْنَا)

﴿...تَرْتَبًا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ﴾ الزُّوم: ٥٨



الدَّرْسُ السَّادِسُ

المُعْجَم: واژه‌نامه (۲۶ کلمه)

عَلُوا	ببخشید	خدايان «مفرد: اله»	آلهة
عَمِلَ	کار کرد	سرد	بارد
فَاكِهَةٌ	میوه «جمع: فواكه»	انجیر	تین
فَرِحَ	خوشحال شد	نشست نشستیم	جَلَسَ جَلَسْنَا
قَالَ	گفت	هوا	جَوَّ
قَطَعَ	برید بریدیم	مرزها	مُدُود
لَبَسَ	پوشید	غمگین شد	حَزِنَ
نَسِيَ	فراموش کرد	حفظ کرد. حَفِظْتُمْ اللّٰهَ: خدا شما را حفظ کند.	حَفِظَ
بَصَرَ	بازی کرد	احساس - کرد	شَعَرَ بِـ
وَالِدٌ	پدر	ساخت	صَنَعَ
وَالِدَةٌ	مادر	زد زدیم	ضَرَبَ ضَرَبْنَا
وَقَّحَ	اختاد	عبور کرد	عَبَرَ
وَقَفَ	ایستاد	شناخت، دانست	عَرَفَ

في الحدود للخضور في مسيرة الأربعين الحسيني



الجدّة:

ألو. السّلام عليك يا عزيزي.
 كيف ما عرفت جدّتك؟!
 أنا بخير و كيف حالكم؟
 أين أنتم الآن؟
 أين الوالد و الوالدة؟
 هل هما بخير؟
 كيف الجو هناك؟
 ماذا لبست يا عزيزي؟
 ماذا لبس أبوك و لبست أمك؟
 حفظكم الله! مع السّلامة.

عصين:

عليك السّلام. من أنت؟
 عفوًا! ما عرفت صوتك. كيف حالك؟
 كلنا بخير.
 وصلنا إلى مدينة مهران في الحدود.
 هما جالسان على الكرسي.
 نعم! الحمد لله.
 الجو بارد قليلًا.
 لبسنا ملابس مناسبة.
 شكرًا جزيلًا. إلى اللقاء.



نَحْنُ جَلَسْنَا فِي الْمَكْتَبَةِ.



نَحْنُ كَتَبْنَا واجِبَاتِنَا.

به جمله عربی و فارسی زیر دقت کنید.

<p>ما انجام دادیم.</p>	<p>اول شخص جمع</p>	<p>نَحْنُ فَعَلْنَا. (متکلم مع الغير)</p>	
------------------------	--------------------	---	--

جمله «نَحْنُ فَعَلْنَا» برای مثنی و جمع و برای مذکر و مؤنث به یک شکل به کار می رود.

فعل ماضی با حرف «ما» منفی می شود: مانند:

جَلَسْنَا: نشستم. ما جَلَسْنَا: ننشستیم.

١ التمرين الأول:

ترجمه كنيد.

١. ﴿...حَضَرْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ﴾ الزمر: ٢٨

٢. ﴿أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِ إِبْرَاهِيمَ﴾ الأعراف: ١٣١

٣. ﴿حَضَرْنَا لَنَا مَثَلًا وَنَبِيًّا خَلَقْنَاهُ﴾ يس: ٢١

٤. قَالَ الطُّفُلُ: «أَنَا مَا حَزَنْتُ».

٥. نَحْنُ مَا عَبَرْنَا الْخُدُودَ.

٢ التمرين الثاني:

كلمات مرتبطه در رديف «الف» و «ب» را به هم وصل كنيد.

الف	الفستان - الجلم - الدنيا - الصلاة - النسيان - السؤال
ب	عزرة الاخرة - كنز - من ملابس النساء - آفة الجلم - مفتاح العلم - عمود الدين

با توجه به تصویر، هر جمله را ترجمه کنید.



أنت **تَصْرَفْتَهُ**. لَأَنَّكَ شَرِيفٌ.



أنا **حَزِنْتُ** قليلاً.



أنتِ **لَيْسْتِ** عباءةً جميلةً.



هو **وَقَعَ** عَلَى الأرضِ.



هي **تَسَمِّي** عَيْنًا.



نَحْنُ وَفَمْنَا لِأَحَدِ الْجَوَائِزِ.



نَحْنُ شَعْرْنَا بِالِافْتِخَارِ.



نَحْنُ فَرِحْنَا كَثِيرًا.



نَحْنُ عَبَّرْنَا الْجَبَلَ.



نَحْنُ نَقَلَعْنَا الْحَسَبَ.



١- مَنْ أَوَّلُ نَبِيٍّ عَمِلَ فِي مَرْكَزِ الْحُكُومَةِ؟
- سَيِّدُنَا يُوْسُفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.



«وَالزَّيْتُونِ وَالرَّيْسُونِ»

٢- مَا هِيَ السُّورَةُ الَّتِي بِاسْمِهَا كَهْفَةٌ؟
- سُورَةُ «التَّيْنِ».



٣- لَنْصَبُ أَيُّ نَبِيٍّ «دَبَّيْحُ اللَّهِ»؟
- نَبِيُّ اللَّهِ إِسْمَاعِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.



الدَّرْسُ السَّابِعُ (فعل ماضٍ: فَعَلْتُمْ، فَعَلْتُنَّ، فَعَلْتَمَا)

﴿فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَتَخْلُ وَرُمَّانٌ﴾ الرَّحْمَنُ: ٦٨



الدَّرْسُ السَّابِعُ

المُعْجَم: واژه‌نامه (۱۳ کلمه)

همسر	زَوْجَة	بزرگ‌تر	أَكْبَرُ
اجازه داد به	سَمَحَ بِـ	ای «برای مذکر»	أَيْعَا
شیمی	كِيْمِيَاءُ	ای «برای مؤنث»	أَيْئَهَا
زیوا، برای این‌که	لِأَنَّ	به وسیله، یا	بِـ
کمک	مُسَاعَدَة	شروع کرد به	بَدَأَ بِـ
پُرَاوَزَ	مَطْلُوعَةٌ بِـ	جمع کرد جمع‌کردید «مثنی»	جَمَعَ
		گرم = یارَد	حَارٌّ

الأسرة الناجحة

السيد زارعي فلاح و زوجته فلاحه. هما ساكنان مع أولادهما في قرية. عارفي أكبر من الأخوين و سميته أكبر من الأختين. هم أسرة ناجحة. يتنهم نظيف و بستانهم مملوءة بأشجار البرتقال و العنب و الرمان و التفاح.

جوار بين الوالد و الأولاد



عارف: إلى بيت الجد و الجدّة مع

صادق و حامد.

الأولاد: أين ذهبّت يا عارفي؟

الأخوان: بالسّيارة.

الوالد: كيف رجعتما يا صادق و يا حامد؟

الإخوة: بمساعدة جدنا.

الوالد: لماذا ذهبتم إليها الأولاد؟

جَوارِ بَيْنِ الوالِدَةِ وَ البَناتِ



الوالدة: أَيْنَ ذَهَبْتِ يا سَمِيَّةُ؟

سَمِيَّةُ: إلى بَيْتِ الجَدِّ وَ الجَدَّةِ مَعَ شَيْمَاءَ وَ نَرْجِسَ.

الوالدة: كَيْفَ رَجَعْتُمَا يا شَيْمَاءُ وَ يا نَرْجِسُ؟

الأختان: بالسَّيَّارةِ.

الوالدة: لِمَ اذًا ذَهَبْتُمُنَّ أَيُّهَا البَناتُ؟

الأخوات: لِمُساغَدَةِ جَدِّتِنَا.



أَنْتُمْ بَدَأْتُمْ بِالْمُسَابَقَةِ.



أَنْتُمْ عَرَفْتُمْ جَوَابَ سُؤَالِي.



أَنْتُمْ جَمَعْتُمْ كُتُبَ الْمَكْتَبَةِ.



أَنْتُمْ سَمِعْتُمْ كَلَامِي بِدِقَّةٍ.

به مقایسه جمله‌های عربی و فارسی زیر دقت کنید.

شما تمام دارید.	دوم شخص جمع	جمع مذکر مخاطب	أَنْتُمْ فَعَلْتُمْ.	
		جمع مؤنث مخاطب	أَنْتُنَّ فَعَلْتُنَّ.	
		مثنیٰ مذکر مخاطب	أَنْتُمَا فَعَلْتُمَا.	
		مثنیٰ مؤنث مخاطب	أَنْتُمَا فَعَلْتُمَا.	

١ التمرين الأول:

با توجه به متن درس، جمله‌های صحیح و غلط را معلوم کنید.

صحيح غلط

- | | | |
|-----------------------|-----------------------|--|
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | ١. عَدَدُ الْأَوْلَادِ وَالْبَنَاتِ حَمْسَةٌ. |
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | ٢. السَّيِّدُ زَارِعِيٌّ مُدْرَسٌ الْكِيمِيَاءِ. |
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | ٣. أَشْجَارُ الرُّمَانِ فِي بُسْتَانِ السَّيِّدِ زَارِعِيٍّ. |
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | ٤. كَانَ الْحِوَارُ الْأَوَّلُ بَيْنَ الْوَالِدَةِ وَالْبَنَاتِ. |
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | ٥. كَانَ هَدَفُ الْأَوْلَادِ وَالْبَنَاتِ مُسَاعَدَةَ الْجَدِّ وَالْجَدَّةِ. |

٢ التمرين الثاني:

جمله‌های زیر را ترجمه کنید، سپس زیر فعل‌های ماضی خط بکشید.

١. يَا بِنْتَانِ، كَيْفَ قَرَأْتُمَا دَرَسَكُمَا؟

٢. يَا أَسْتَاذَ، هَلْ سَخَّخْتُ لِي بِالْكَلَامِ؟

٣. أَيْئَهَا السَّيِّدَاتُ، أَسَمِعْتُنَّ صَوْتَ أَطْفَالِكُنَّ؟

٤. أَيْئَهَا الطَّلَابُ، لِمَاذَا فَتَحْتُمْ أَبْوَابَ الصُّقُوفِ؟ - لِأَنَّ الْجَوَّ حَارٌّ.

٣ التمرين الثالث:

ترجمه کنید.

هو ما قرأ:	قرأتم: خواندید
أنتم بدأتن:	بدأت: شروع کردم
أنتم سمعتم:	سمعنا: شنیدیم
أنتم ما وصلتم:	وصلتم: رسیدیم
أنتم سمعتم:	سمع: اجازه داد
أنتم ما قطعتم:	قطعتم: بریدی

٤ التمرين الرابع:

گزینه مناسب را انتخاب کنید.

- المعلمة _____ لي بالخروج من الصف.
- أنا و صديقي _____ في المسابقة.
- أيتها الأختان، أما _____ بالاختيار؟
- هو _____ من نجاح صديقه.
- أيتها الأصدقاء، ماذا _____؟
- قالت أم حميد: أنا _____.

سَمَحَ ● سَمَحَتْ

نَجَحْنَا ● نَجَحْتَ

شَعَرْتُمْ ● شَعَرْنَا

فَرِحَ ● فَرِحَتْ

صَنَعْتُمْ ● صَنَعْنَا

مُنْتَظَرٌ ● مُنْتَظَرَةٌ



الدَّرْسُ الثَّامِنُ (فعل ماضى: فَعَلُوا، فَعَلْنَا، فَعَلْتُمْ، فَعَلْتُمْ)

﴿يَا مَن فِي الْبِحَارِ عَجَالِبُهُ﴾ از دعای جوشن کبیر



الدَّرْسُ الثَّامِنُ

المُعْجَم: واژه‌نامه (۲۰ کلمه)

تور شَبَكَةٌ كَبِيرَةٌ، تَوْرِي بَزرگ	شَبَكَةٌ	لیختد	ایسام
دانست عَلِمَ أَنْ دَانَست که	عَلِمَ	بلکه	بَلْ
پس	فَ	آمد آمدند	جاء جاءوا
زشت	فَمَیج	بسیار	جَدًّا
انداخت أَوْ را انداختند «قَذَفُوا + ها»	قَذَفَ قَذَفُوا	غمگین	حَزین
ولی	لِکُنْ	ترسید	خَافَ
آب «جمع: مِیَاه»	مَاء	ترسیده، ترسان	خَافَ
نگاه کرد نگاه کردند	نَظَرَ نَظَرُوا	رفته	ذَاهِب
تنها	وَحید	ماهی «جمع: اَسْمَاک» سنگه: مَهِی	سَمَك
قرار کرد	خَرَبَ	سنگ ماهی	سَمَكَةُ خَبْرَتُهُ

زينة الباطن



كانت في بحر كبير **سكة قبيخة** اسمها «**السكة الحجرية**» وكانت الأسماك **خائفات** منها. هي ذهبت إلى سمكتين؛ **السمكتان خلفنا وهرتنا**. هي كانت وحيدة دائماً. في يوم من الأيام، **خمس من الصيادين جاؤوا. فذفوا شبكة كبيرة في البحر**. الأسماك وقعن في الشبكة. ما جاء أحد للمساعدة. **السكة الحجرية سمعت أصوات الأسماك**.

فنظرت إلى الشبكة فحرخت وذهبت لِنجاة الأسماك. قطعت شبكة الصيادين بسرعة. الأسماك خرجن وهرتن جميعاً. فوقعت **السكة الحجرية** في الشبكة و الصيادون أخذوها. كانت الأسماك حزينات؛ لأن **السكة الحجرية** وقعت في الشبكة لِنجاتهن. الأسماك نظرن إلى سفينة الصيادين. هم أخذوا **السكة** ولكنهم ذفوها في الماء؛ لأنها كانت **قبيخة جداً فخافوا** منها. الأسماك فرحن لِنجاتها و نظرن إليها **بانباس** و **علسن أن جمال الباطن أفضل من جمال الظاهر**.

قال الإمام علي عليه السلام: «زينة الباطن خير من زينة القاهرة»



هُنَّ تَطَرَّنَ.



هُمَّ لَعِبُوا.






هُمَا كَتَبَتَا.



هُمَا وَقَفَا.

به جمله‌های عربی و فارسی زیر دقت کنید.

سوم شخص جمع	ایشان انجام دادند.	<p>هُم فَعَلُوا</p> <p>جمع مذکر غایب</p>	
		<p>هُنَّ فَعَلْنَ</p> <p>جمع مؤنث غایب</p>	
		<p>هُمَا فَعَلَا</p> <p>مثنی مذکر غایب</p>	
		<p>هُمَا فَعَلَا</p> <p>مثنی مؤنث غایب</p>	

١ الثَّمَرَيْنِ الْأَوَّلِ:

با توجه به متن درس، کدام جمله صحیح و کدام غلط است؟

صحيح غلط



١. كَانَتْ تِلْكَ السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ وَحِيدَةً.

٢. السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ ذَهَبَتْ لِتُجَاةِ الْأَسْمَاكِ.

٣. كَانَتْ السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ صَغِيرَةً وَجَمِيلَةً.

٤. الصَّيَادُونَ مَا خَافُوا مِنَ السَّمَكَةِ الْحَجْرِيَّةِ.

٢ الثَّمَرَيْنِ الثَّانِي:

با توجه به متن درس، به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

١. كَمْ صَيَادًا كَانَ فِي السَّفِينَةِ؟
٢. مَنْ قَذَفَ الشَّبَكَةَ فِي الْمَاءِ؟
٣. أَيْنَ وَقَعَتِ السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ؟
٤. هَلْ زِينَةُ الظَّاهِرِ خَيْرٌ مِنْ زِينَةِ الْبَاطِنِ؟

۳ التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ:

ترجمه کنید.

عَرَفْنَا: شناخت	هَذَا عَرَفْنَا:
هَوَّجَ: فراوان کرد	الْوَالِدَانِ هَوَّجَا:
عَلِمَ: دانست	الطَّالِبَاتُ مَا عَلِمْنَ:
سَلِمَ: سالم ماند	هَذَا سَلِمْنَا:
قُدِّعَ: انداخت	أَنْتُمَا قُدِّعْتُمَا:
وَقَعَ: افتاد	الطُّفْلَةُ وَقَعَتْ:
نَظَرَ: نگاه کرد	هَمَّ مَا نَظَرُوا:
نَصَرَ: یاری کرد	الرُّجَالُ مَا نَصَرُوا:
قَطَّعَ: برید	أَنْتُمْ مَا قَطَّعْتُمْ:
عَبَّرَ: عبور کرد	أَنْتُمْ عَبَّرْتُمْ:
صَرَبَ: زد	كِلَيْهِمَا مَا صَرَبْنَا:
ذَكَرَ: یاد کرد	الْبَهْتَانِ ذَكَرْنَا:

۴ التَّمْرِينُ الرَّابِعُ:

گزینه مناسب را انتخاب کنید.

- هؤلاء الضيادون _____ شبكة في البحر. قَدَّفُوا قَدَّفُوا
- أولئك البنات _____ لمساعدة جدتهن. ذَهَبْنَا ذَهَبْنَ
- هذان الولدان _____ لأخذ الهدايا. وَقَفْنَا وَقَفْنَا
- هاتان المرأتان _____ علم إيران. رَفَعْنَا رَفَعُوا
- كانت زهراء _____ إلى صفها. ذَاهِبًا ذَاهِبَةٌ





الدَّرْسُ التَّاسِعُ (دورة كتاب: اسم اشاره، اسم مفرد، مثنى و جمع،
كلماتهاى پرسشی، ضمیر، فعل ماضی)

قَسْمَةُ الْعِلْمِ، إِخْلَاصُ الْعَمَلِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ



الدَّرْسُ التَّاسِعُ

المُعْجَم: واژه‌نامه (۱۹ کلمه)

طلب	خواست	پایان	آخر
قَالَ فِي نَفْسِهِ	با خودش گفت	أَجْرٌ عَلَيَّ: آخرین کارم	أَخِرٌ
قَبِلَ	پذیرفت	محکم کرد	أَثَقَنَ
تَأَخَّرَ قَمَلُهُ	به عنوان آخرین کارش، به‌عنوان پایان کارش	جواب داد	أَجَابَ
لَقَا	هنگامی که	داد	أَعْطَى
مُجِدَّ	کوشا	به او داد «أَعْطَى + لَهُ»	أَعْطَاهُ
مَضَعُ	کارخانه	تبارازند	بِحَاجَةٍ
تَبَمَّ	پشیمان شد	بازنشستگی	تَقَاعَدَ
يَا لَيْتَنِي صَنَعْتُ	ای کاش من ساخته بودم!	خوب، به خوبی	جَيِّدًا
		دید	رَأَى
		خریدن	شَرَا
		ساختن	صَنَعَ

الإخلاق في العمل

كَانَ تَجَارٌ وَ صَاحِبُ مَصْنَعٍ صَدِيقَيْنِ، فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ، قَالَ التَّجَارُ لِصَاحِبِ الْمَصْنَعِ: «أَنَا بِحَاجَةٍ إِلَى التَّقَاعِدِ» أَجَابَ صَاحِبُ الْمَصْنَعِ: «وَلَكِنَّكَ مَاهِرٌ فِي عَمَلِكَ وَ نَحْنُ بِحَاجَةٍ إِلَيْكَ يَا صَدِيقِي.» التَّجَارُ مَا حَبِلَ، لَمَّا رَأَى صَاحِبُ الْمَصْنَعِ إِصْرَارَهُ؛ قَبْلَ تَقَاعُدِهِ وَ طَلَبَ مِنْهُ مِثْلَ مِثْلٍ بَيْتٍ خَشْبِيٍّ قَبْلَ تَقَاعُدِهِ فَجَاوَزَ عَمَلِهِ فِي الْمَصْنَعِ. دَهَبَ التَّجَارُ إِلَى السُّوقِ لِشِرَاءِ الْوَسَائِلِ لِصُنْعِ الْبَيْتِ الْخَشْبِيِّ الْجَدِيدِ، هُوَ اشْتَرَى وَسَائِلَ رَخِيصَةً وَ غَيْرَ مُنَاسِبَةً وَ بَدَأَ بِالْعَمَلِ؛ لَكِنَّهُ مَا كَانَ مُجِدًّا وَ مَا كَانَتْ أَحْشَابُ الْبَيْتِ مَرْغُوبَةً.



بَعْدَ شَهْرَيْنِ دَهَبَ عِنْدَ صَاحِبِ الْمَصْنَعِ وَ قَالَ لَهُ: «هَذَا آخِرُ عَمَلِي.» جَاءَ صَاحِبُ الْمَصْنَعِ وَ أُعْطَاهُ مِفْتَاحًا دَهَبِيًّا وَ قَالَ لَهُ: «هَذَا مِفْتَاحُ بَيْتِكَ، هَذَا الْبَيْتُ هَدِيَّةٌ لَكَ؛ لِأَنَّكَ عَمِلْتَ عِنْدِي سَنَوَاتٍ كَثِيرَةً.» لَدِمَ التَّجَارُ مِنْ عَمَلِهِ وَ قَالَ فِي نَفْسِهِ: «يَا لَيْسَنِي صَنَعْتُ هَذَا الْبَيْتَ جَدًّا!»

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً عَمِلَ عَمَلًا فَأَتَقَنَهُ.

١ التمرين الأول:

با توجه به متن درس، کدام جمله صحیح و کدام غلط است؟

١. قَبِلَ صَاحِبُ الْمَصْنَعِ تَقَاعُدَ النَّجَّارِ؛ لِأَنَّهُ كَانَ ضَعِيفًا.

٢. كَانَ النَّجَّارُ مُجِدًّا فِي صُنْعِ الْبَيْتِ الْخَشَبِيِّ.

٣. كَانَ الْبَيْتُ الْخَشَبِيُّ هَدِيَّةً لِلنَّجَّارِ.

٤. مَا تَدِمَ النَّجَّارُ مِنْ عَمَلِهِ.

٥. كَانَ النَّجَّارُ مَاهِرًا.

٢ التمرين الثاني:

با توجه به متن درس، به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید. (در یک یا دو کلمه)

١. تَعَدَّ كَمَ شَهْرٍ ذَهَبَ النَّجَّارُ عِنْدَ صَاحِبِ الْمَصْنَعِ؟

٢. هَلْ كَانَ صَاحِبُ الْمَصْنَعِ بِحَاجَةٍ إِلَى النَّجَّارِ؟

٣. مَنْ أَعْطَى الْمِفْتَاحَ الذَّهَبِيَّ إِلَى النَّجَّارِ؟

٤. أَيْنَ ذَهَبَ النَّجَّارُ لِشِرَاءِ الْوَسَائِلِ؟

٥. مَاذَا اشْتَرَى النَّجَّارُ لِصُنْعِ الْبَيْتِ؟

٦. لِمَنْ كَانَ الْمِفْتَاحُ الذَّهَبِيُّ؟

۳ التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ:

در هر مجموعه، کلمه خواسته شده را مشخص کنید.

۱. جمع مذکر سالم: أخشاب ● صيادين ● وسائل ● نقاعد
۲. جمع مؤنث سالم: أوقات ● أصوات ● خزيبات ● أبيات
۳. جمع مکسر: فُستان ● حَدِيقَتَانِ ● حَقِيبَةٌ ● أولاد
۴. مفرد مذکر: بيت ● سَمَكَةٌ ● صَدِيقَةٌ ● سفينة
۵. مفرد مؤنث: مَصْنَعٌ ● مُجِدَّتَيْنِ ● مِفْتَاحٌ ● هَدِيَّةٌ
۶. مثنی مذکر: حُسرَانِ ● بُسْتَانِ ● فَلَاحَانِ ● نِسيَانِ
۷. مثنی مؤنث: أَخْتَيْنِ ● لِسَانِ ● مَوَاعِظِ ● يَمِينِ

۴ التَّمْرِينُ الرَّابِعُ:

جمله‌های زیر را به فارسی ترجمه کنید، سپس زیر فعل‌ها خط بکشید.

۱. أَنَتْنُ عَرَفْتُنْ أَوْلِيكَ الْبِنَاتِ؟
۲. أَنَا فَرِحْتُ مِنْ نَجَاحِ أَصْدِقَائِي.
۳. هُنَّ نَظَرْنَ إِلَى اللَّوْحَةِ الْجَمِيلَةِ.
۴. هِيَ مَا ذَهَبَتْ إِلَى بَيْتِ جَدَّتِهَا.
۵. أَنْتُمَا صَنَعْتُمَا كُرْسِيَيْنِ حَسْبَيْنِ.
۶. أَنْتِ قَدَفْتِ شَبَكَةَ لِيصِيدِ الْأَسْمَاكِ.
۷. الْجَوُّ بَارِدٌ، فَلَبِسْنَا مَلَابِسَ مُنَاسِبَةً.





الدَّرْسُ العَاشِرُ



﴿...مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ فَأَوَّكَيْمُ يَس: ٨٠﴾



الدَّرْسُ العَاشِرُ

المُعْجَم: واژه‌نامه (۲۲ کلمه)

أبيض	سفید	حياة	زندگی
الثلثین	دوشنبه	حرف	بازی
الأحد	یکشنبه	الخميس	پنجشنبه
أخضر	سبز	ريح	بهار
أحمر	سبز	الثبت	شنبه
الأربعاء	چهارشنبه	سحاب	ابر
أزرق	آبی	شتاء	زمستان
أسود	سیاه	صيف	تابستان
أصفر	زرد	غداً	فردا
ألوان	رنگ‌ها «مفرد: لون»	غراب	کلاغ
أقصى	دیروز	اليوم	امروز یوم: روز
الثلاثاء	سه‌شنبه		

الأيام و الفصول و الألوان



المُدْرَس: ما أيام الأسبوع؟

الطالب: يوم السبت، الأحد، الإثنين، الثلاثاء، الأربعاء، الخميس، الجمعة.

المُدْرَس: و ما فصول السنة؟

الطالب: الربيع و الصيف و الخريف و الشتاء.

المُدْرَس: نحن في أي يوم و فصل؟

الطالب: اليوم يوم الأربعاء و الفصل فصل الربيع.

المُدْرَس: كيف الجو في كل فصل؟

الطالب: الجو في الربيع معتدل. و هو فصل الجمال و الحياة الجديدة.

و الصيف حار و فصل الفواكه اللذيذة.

و الخريف لا حار و لا بارد و فصل سقوط أوراق الأشجار و الشتاء بارد.



السؤال: ما الألوان؟

الجواب: الأسود و الأبيض و الأخضر و الأحمر و الأزرق و الأصفر.

السؤال: ما المثال لهذه الألوان؟

الجواب: العراب أسود و السحاب أبيض و الزمان أحمر و الشجر أخضر و البحر أزرق و الموز أصفر.

السؤال: ما ألوان علم الجمهورية الإسلامية الإيرانية؟

الجواب: الأخضر و الأبيض و الأحمر.



١ التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ:

در جای خالی گزینه مناسب بنویسید.

١. أمس كَانَ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ؛ فَالْيَوْمَ يَوْمٌ الخميس
٢. الْيَوْمَ يَوْمَ السَّبْتِ وَغَدًا يَوْمٌ الإثنين
٣. أَوَّلُ الْفُصُولِ فَصْلٌ الخريف
٤. الشِّتَاءُ فَصْلٌ حار

٢ التَّمَرِينُ الثَّانِي:

ترجمه کنید.

١. لَوْنُ السَّحَابِ، أَيْضٌ.
٢. لَوْنُ الْأُورَاقِ، أَخْضَرٌ.
٣. لَوْنُ الْعُرَابِ، أَسْوَدٌ.
٤. لَوْنُ الرَّمَانِ، أَحْمَرٌ.
٥. لَوْنُ السَّمَاءِ، أَزْرَقٌ.
٦. لَوْنُ الْمَوْزِ، أَصْفَرٌ.



برای موارد خواسته شده، ضمیر مناسب را مشخص کنید.

هُنَّ	هُم	۱. هُوَآءِ الرِّجَالِ
أَنْتِ	هُوَ	۲. هَذَا الرَّجُلِ
هُنَّ	هُمَا	۳. أَوْلَادِكَ الْبَنَاتِ
أَنْتُمَا	هُمَا	۴. يَا وَاَلِدَانِ
هُنَّ	أَنْتُنَّ	۵. أَنْتِهِنَّ النِّسَاءُ
أَنْتُمَا	هُمَا	۶. يَا بَنَاتَانِ
أَنْتِ	هِيَ	۷. تِلْكَ الْمَرْأَةُ
أَنْتِ	هِيَ	۸. يَا بِنْتِي
أَنْتُمْ	هُم	۹. أَيُّهَا الرِّجَالُ
أَنْتِ	هُوَ	۱۰. يَا وَاَلِدُ

در نقطه چین، شناسه های مناسب بگذارید.

(تَ ، بَ ، ثَ ، ثَ ، اَ ، تَا ، وَا ، نَ ، ثَمَّ ، تَنْ ، نَا)

١. أَنْتِ صَنَعَتْ — حَقِيبَةً.
٢. أَنَا نَدِمْتُ — مِنْ أَعْمَالِي.
٣. هِيَ سَلِمَتْ — مِنَ الْخَطَرِ.
٤. هُمْ سَمَحُوا — لِي بِالْكَلَامِ.
٥. أَنْتُمَا كَتَبْتُمَا — وَاجِبَاتِكُمَا؟
٦. نَحْنُ قَبْلَ — هَدِيَّتِهِ أَمْسٍ.
٧. أَنْتِ مَا حَصَدْتَ — الْمَحْصُولَ؟
٨. هُنَّ بَحَثْنَ — عَنِ اللَّوْنِ الْأَصْفَرِ.
٩. أَنْتُنَّ مَا رَجَعْتُمُ — مِنَ الْبُسْتَانِ.
١٠. أَنْتُمْ مَا صَعِدْتُمْ — ذَلِكَ الْجَبَلَ الْأَخْضَرَ.
١١. هَذَانِ وَوَالِدَانِ. هُمَا رَفَعُوا — الْعِلْمَ الْأَحْمَرَ.
١٢. هَاتَانِ بِنَاتَانِ. هُمَا ذَهَبَا — عِنْدَ مُعَلِّمَتَيْهِمَا.

نَظَرَةٌ لِلدَّرْسِ الرَّابِعِ إِلَى الدَّرْسِ العَاشِرِ

نگاهى به درس چهارم تا دهم

فارسی	عربی	
من تکلیفم را نوشتم.	أَنَا كَتَبْتُ واجِبَةً. (متکلم وحده)	
تو تکلیفت را نوشتی.	أَنْتِ كَتَبْتِ واجِبَةً. (مفرد مذکر مخاطب)	
	أَنْتِ كَتَبْتِ واجِبَةً. (مفرد مؤنث مخاطب)	
او تکلیفش را نوشت.	هُوَ كَتَبَ واجِبَةً. (مفرد مذکر غایب)	
	هِيَ كَتَبَتْ واجِبَةً. (مفرد مؤنث غایب)	

فارسی	عربی	
ما تکلیفمان را نوشتیم.	<p>نَحْنُ كَتَبْنَا وَاجْتَبْنَا. (متكلم مع الغير)</p>	
شما تکلیفشان را نوشتید.	<p>أَنْتُمْ كَتَبْتُمْ وَاجْتَبْتُمْ. (جمع مذکر مخاطب)</p> <p>أَنْتُنَّ كَتَبْتُنَّ وَاجْتَبْتُنَّ. (جمع مؤنث مخاطب)</p> <p>أَنْتُمَا كَتَبْتُمَا وَاجْتَبْتُمَا. (مثنی مذکر مخاطب) و (مثنی مؤنث مخاطب)</p>	
ایشان تکلیفشان را نوشتند.	<p>هُم كَتَبُوا وَاجْتَبُوا. (جمع مذکر غایب)</p> <p>هُنَّ كَتَبْنَ وَاجْتَبْنَ. (جمع مؤنث غایب)</p> <p>هُمَا كَتَبَا وَاجْتَبَاهُمَا. (مثنی مذکر غایب)</p> <p>هُمَا كَتَبَا وَاجْتَبَيْهَا. (مثنی مؤنث غایب)</p>	

ترجمة فارسی	فعل ماضی		صيغته	
	مؤنث	مذكر		
انجام داد	فَعَلْتُ	فَعَلَ	مفرد	أَنْفَرُ
انجام دادند	فَعَلْنَا	فَعَلُوا	مثنى	
انجام دادند	فَعَلْنَ	فَعَلُوا	جمع	
انجام دادی	فَعَلْتِ	فَعَلْتَ	مفرد	مخاطبه
انجام دادید	فَعَلْنَا	فَعَلْتُمَا	مثنى	
انجام دادید	فَعَلْتُنَّ	فَعَلْتُمْ	جمع	
انجام دادم	فَعَلْتُ		متکلم وحده	
انجام دادیم	فَعَلْنَا		متکلم مع الغير	



أَيُّهَا الْأَصْدِقَاءُ،
وَصَلْنَا إِلَى نِهَائِهِ السَّنَةِ؛
فِي أَمَانِ اللَّهِ؛
حَفِظَكُمُ اللَّهُ؛
مَعَ السَّلَامَةِ؛
وَإِلَى اللِّقَاءِ فِي الصَّفِّ الثَّامِنِ.



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به‌عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقق این امر، در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی بر خط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد. تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب‌های درسی نوکاشت، کتاب‌های درسی را با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه‌های آموزشی، دبیرخانه راهبری دروس و مدیریت محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اساسی دبیرونی که در این زمینه تلاش کرده‌اند و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند، به شرح زیر اعلام می‌شود:

اساسی دبیروان شرکت کننده در اعتبارسنجی کتاب عربی، زبان قرآن - پایه هفتم - کد ۷۰۹

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	پروانه حق‌شاد	گلستان
۲	عبدالرضا سیحطان	گلستان
۳	علیرا مرادی	البرز
۴	عصمت فیروزی	چهارمحال و بختیاری
۵	علیرا جمعی	آذربایجان شرقی
۶	محمد مهدی خسروی عیلمی	خراسان جنوبی
۷	ام‌البنین میرابی	خراسان جنوبی
۸	قلیم عیلمی	قزوین
۹	مهدی جانری حق	آذربایجان شرقی
۱۰	فاطمه هادی‌ها	قزوین
۱۱	زهره مظفری	مازندران
۱۲	مصومه خادمی	هرمزگان
۱۳	زیب صادقی	هرمزگان

مفتیان محترم، مصائب قرآن، دانش آموزان عزیز و اولیای آن می توانند نفع اخلاقی خود را در باره کتاب

این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۴۸۷۲ گروه دینی مهر ۷۷ پیام نگار (Email)

talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

بجز تالیف کتاب نمی‌تواند موی دست‌نظری

